

دشمنان و مخالفان حزب توده ایران، ریشه‌های اجتماعی و انگیزه‌هایشان

صفحات ۲ و ۴

بمب‌های ضد انقلاب

دلیل آتش زدن سینما رکس نیست. رژیم شاه سابق میخواست با ایجاد این فاجعه عظیم و انتساب آن به سرسخت‌ترین دشمنان خود، بین آنها و مردم فاصله بوجود بیاورد. جنایت را به اتحاد سرخ و سیاه، یعنی توده‌ای‌ها و مسلمانان مبارز، که پیگیر ترین نیروها علیه رژیم گذشته بودند، نسبت دهد و مردم را علیه آنها تحریک کند، دسته‌های مختلف را بجان یکدیگر بیندازد و سرانجام جنبش را سرکوب کند. امروز طسرح آتش زدن سینما رکس را «کارشناسان» ضدشورش «سیاه» میکشیدند و ساواکیها اجرا میکردند. امروز نیز طسرح بمب کذاری در مساجد بهنگام نماز را آنها میکشند و اینها اجرا میکنند. با يك تفاوت کوچک و اینکه، در نظر دارند «مجموعه‌ها» را به این جنایت متهم کنند.

این شایعه را ساواکی‌ها و ضد انقلابیون در میان مردم منتشر می‌کنند، تا بتوانند احساسات مذهبی مردم را علیه نیروهای اصیل چپ، بویژه حزب توده ایران بشورانند و خود توطئه علیه آنها را زیر این پوشش مرحله اجرا درآورند.

اری، جو سازی برای تفرقه افکنی بین نیروهای هوادار انقلاب، بویژه بین نیروهای اصیل چپ و قبل از همه حزب توده ایران و مسلمانان متحد و مبارز و هواداران راستین امام خمینی یکی از مهمترین هدف‌های ضدانقلاب است.

ضدانقلاب چه کمک دستیاران ساواکی خود این جو سازی را با شدت ادامه خواهد داد. ما باید در انتظار حوادث خونینی از این قبیل باشیم. چه بسا که در صفوف نمازگزاران در تهران یا شهرستانها بمبهای نیرومندی نیز کار گذارده شود. باید نعتها در خشنی کردن بمبها، بلکه همچنین در جلوگیری از عواقب سیاسی آن و پرهیز از افتادن در دام دسیسه‌بازان ساواکی نیز هوشیار بود و نگذاشت که توطئه‌گران یا ایجاد جو تفرقه و بدبینی مقاصد پلید سیاسی خود را از پیش ببرند.

اما هدف بمب‌گذاری تنها جو سازی نیست، هر چند از اهداف مهم آنست. بمب‌گذاران میخواهند با این عمل خود با يك تیر چند نشانه بزنند: آنها پس از کشف هر توطئه و شبکه ضدانقلاب میخواهند «اثبات وجود» کنند و بهواداران خود نشان دهند که ضد انقلاب زنده است و آماده کارزار، ضدانقلابیون، بر حسب خصلت ضد مردمی و ضد انسانی خودشان، به نظر توده‌ها اهمیتی نمیدهند و مسانند رهبری «فقیدشان» معتقدند که با مردم تنها بقیه در صفحه ۸

برای يك لحظه فکر کنید که آن بمب «تی.ان.تی» که در مسجد جامع سخن شاه عبدالعظیم، بمب پاسبانان دلیر کشف و خنثی شده در میان صفوف نمازگزاران منتشر می‌گردید شمار تلفاتی که چنین پدیده می‌تواند در صفوف فشرده نمازگزاران بوجود آورد، قابل پیش‌بینی نیست. بمبی که می‌تواند حتی گنبد حضرت عبدالعظیم را به هوا پرتاب کند، بی‌شک صدها کشته نیز بجای می‌گذاشت.

انتخاب زمان و مکان انفجار نیز تصادفی نیست. انفجار باید در مکان مقدس و در زمان مقدس، یعنی در سخن مسجد شاه عبدالعظیم و به هنگام نماز روی دهد. دلیل این انتخاب چیست؟ دلایل بی‌شمار است

نمی‌آمد. چه کسی جز ساواکی‌ها این بمبها را کار می‌گذارد؟ ما با چهره این حیوانات درنده، که به پیر و جوان، زن و کودک رحم نمیکنند، آشنایی دیرین داریم و طعم تازیانه‌ها و شکنجه‌های آنان را چشیده‌ایم، اما یافتاری ما در لزوم سلب آزادی عمل از ساواکی‌ها، این سخن هار سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم جهانخواز آمریکا، به هیچوجه از حس انتقامجویی سرچشمه نمیگردد و نمیگیرد. اگر ضدانقلاب در همان نخستین هفته‌های انقلاب از امکانات مادی و فنی و سازمانی برای رویارویی با نظام جمهوری اسلامی محروم میشد، امروز ابعاد توطئه‌ها تا این حد گسترده نمی‌بود.

بمب‌های ضدانقلاب خوشه‌های هستی بینگهان را گاه در اهواز، گاه در تهران، گاه در کرمانشاه و گاه در... درو میکند و معنای رحم و عاطفه‌ای را که سازشکاران لایزال بنام «اسلام» برای ساواکی‌ها و دیگر وابستگان نظام شاهنشاهی میخواستند و شایستگی ایشان را برای عفو که با سوء استفاده از فرمان امام، به آنها دادند، نشان میدهد.

اکنون این آقایان بیایند و به مردم ایران جواب بدهند که: این بمبها یا پول کی ساخته میشود و با دست کی بکار می‌آید؟

اگر پاسداران و دیگر فرزندان دلبز انقلاب، با بخطر افکندن جانهای پاکشان، اکثر این بمبها را خنثی نمی‌کردند، چه فاجعه‌ها که بیار



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۳ پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۹، ۱۳۵۹، ۱۵ ریال

توطئه جدید امریکارا جدی بگیریم و برای درهم شکستن آن آماده باشیم

برای سیاحت به مصر آمده‌اند؟ آیا کشتی‌های ناوگان ششم امریکا بسیج قصد شریانه ریدخواهانه‌ای و فقط همانطور که ادعا شده است، برای «دیدار دوستانه» به بندر اسکندریه وارد شده‌اند؟ چرا تعداد این کشتی‌ها پنهان نگاه داشته شده و چرا مدت اقامت آنها نامعلوم است؟ در کشتی‌های کویتر و یک کشتی تهاجمی بزرگ، حامله تکبای ساحلی فقط بر حسب تصادف در میان کشتی‌های اعزامی به مصر جای گرفته‌اند؟

چک‌اندرسن ایشا کرده‌است که: «برای استار هجوم» طرح ویژه‌ای تنظیم شده که در چارچوب آن در خلیج فارس، مانورهای تعلیماتی ناوگان جنگی امریکا صورت خواهد گرفت، و لسی این عملیات هدفش منحرف ساختن توجه عموم از عملیات واقعی علیه ایران است.»

و این دقیقاً همان «مانور تعلیماتی» است که در حال حاضر در مصر در جریان است. وزیر دفاع امریکا «هارولد براون» ضمن تکذیب خبر توطئه علیه ایران در پاسخ این سؤال که: «آیا کوشش دیگری برای رهائی ۵۴ گروگان امریکائی در راه خواهد بود یا نه؟» میگوید:

«این آن خبری است که من میل ندارم درباره‌اش صحبت کنم.»

وزیر دفاع امریکا آرایش نظامی وسیع امریکا را در خلیج فارس «شاهدی بر قدرت نظامی ایالات متحده» میدانند، تا «به ایرانیان بقیه در صفحه ۸

اعمال فشار سیاسی و اقتصادی و قراردادهای تحمیلی تأمین کند، آنوقت تلاش میکند که با کشتی جنگی و فانوم و نانک تأمین کند، که بتکرار کرده‌است.

مگر قبل از «عملیات لورسبز» (توطئه طسرح) کاتر و برژینسکی و سایر مقامات مسئول امریکا، تکذیب‌نامه‌های مشابهی را در رد هر گونه عملیات نظامی علیه انقلاب ایران انتشار ندادند، و بفاصله چند روز، توطئه در کویر آغاز نشد؟

مگر دهملتن جردن، مشاور کاتر، دودوز قبل از پیاده کردن توطئه طسرح به دروغ به کارمندان کاخ سفید نگفته بود که: «هیچ اقدامی برای نجات گروگانها پیش‌بینی نشده است؟»

امریالیسم حيله‌گر هزارچهره امریکا، در همان حال که دست دوستی بسوی خلفها دراز میکند، خنجر زهر آگین در آستین خود پنهان کرده است.

مقامات رسمی وزارت دفاع امریکا ناگزیر پذیرفته‌اند که عملیاتی با نام رمز «چپش مثبت ۸۰» وجود دارد، ولی این عملیات فقط بمنظور «تمرین» است، تا «قابلیت همکاری نیروهای نظامی امریکائی» سنجیده شود.

تمرین برای چه؟ قابلیت همکاری نظامی امریکا برای پیاده کردن کدام طرح جنگی؟ همکاری نظامی امریکا با کدام کشور؟ آیا این تمرین‌ها تدارک مقدمات همان توطئه نیست؟ آیا فانوم‌های امریکائی که چند روز پیش، یکی از آنها نزدیک قاهره سقوط کرد،

روزنامه نگار مشهور امریکائی، جک اندرسن، پرده از تدارک توطئه وسیع نظامی از سوی پنتاگون و کاخ سفید، بمنظور هجوم مسلحانه به ایران برداشته است. جک اندرسن در مقاله‌ای که برای ستون دائمی خود در روزنامه «واشنگتن پست» تدوین کرده بود، پرده از جزئیات این توطئه برداشت، ولی گردانندگان روزنامه، که زیر فشار مقامات کاخ سفید قرار گرفتند، و نیز تمام روزنامه‌های معروف امریکا، که تحت کنترل و جیره‌خوار انحصارات امریالیستی هستند، حاضر نشدند این مقاله را منتشر کنند. سرانجام خلاصه‌ای از این مقاله در يك روزنامه گمنام کالیفرنیا انتشار یافت.

روزنامه نگار امریکائی وعده داده‌است که هفته آینده طی يك سری از مقالات، پرده از جزئیات این نقشه دوزخی بردارد.

طبق این نقشه، که زیر نام رمز «چپش ۸۰» پیاده خواهد شد، قرار است در ط ماه اکتبر (مهر - آبان)، که سه سله قبل از انتخابات ریاست جمهوری امریکاست، هجوم مسلحانه وسیعی علیه نظامی پنتاگون صورت گیرد. این «گانهای» امریکائی است، ولی همان توطئه طسرح را دنبال میکند، که با نام «عملیات نور سبز»، قصد انجام اقدامات نظامی علیه انقلاب ایران را در تفریق ملیات تدارک شده از سوی ضد انقلاب و خارجی داشت، تا نظام جمهوری ایران را سرنگون و رژیم حافظ امریالیسم جانشین آن سازد.

افشاء این توطئه از سوی روزنامه نگار کائی، سروصدای زیادی را برانگیخت و ت کاخ سفید و پنتاگون با سرامیسی چنین توطئه‌ای را تکذیب کردند. کوی کاخ سفید گفت:

«این نظریه که دولت فعلی یا هر دولت دیگری بخواهد بخاطر منافع سیاسی، جنگی را آغاز کند، يك ادعای مسخره و غلط است»، ضمن اینکه تأیید کرد که: «رئیس جمهور خلیج فارس را بعنوان يك منطقه «منافع حیاتی» برای امریکا و غرب میدانند».

تکذیب کاخ سفید چنان بی‌پایه و ناشیانه است، که خود قوی‌تر از هر تأییدی است. این سؤال اکنون مطرح میشود که: مگر امریالیسم امریکا بخاطر منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود، دست به تجاوز نظامی علیه ویتنام نزده؟ مگر جنگ‌های اول و دوم جهانی را امریالیسم دقیقاً برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آغاز نکرده؟ اگر درست است که امریالیسم امریکا برای خود و متحدانش در منطقه خلیج فارس «منافع حیاتی» قائل است، و اگر بساور داشته باشیم که انقلاب ایران، این «منافع حیاتی» را بخطر افکنده است، آنگاه باین نتیجه منطقی میرسیم که، ذات متجاوز امریالیسم، اگر نتواند این «منافع حیاتی» را از طریق

دولت دیگری بخواهد بخاطر منافع سیاسی، جنگی را آغاز کند، يك ادعای مسخره و غلط است»، ضمن اینکه تأیید کرد که: «رئیس جمهور خلیج فارس را بعنوان يك منطقه «منافع حیاتی» برای امریکا و غرب میدانند».

تکذیب کاخ سفید چنان بی‌پایه و ناشیانه است، که خود قوی‌تر از هر تأییدی است. این سؤال اکنون مطرح میشود که: مگر امریالیسم امریکا بخاطر منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود، دست به تجاوز نظامی علیه ویتنام نزده؟ مگر جنگ‌های اول و دوم جهانی را امریالیسم دقیقاً برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آغاز نکرده؟ اگر درست است که امریالیسم امریکا برای خود و متحدانش در منطقه خلیج فارس «منافع حیاتی» قائل است، و اگر بساور داشته باشیم که انقلاب ایران، این «منافع حیاتی» را بخطر افکنده است، آنگاه باین نتیجه منطقی میرسیم که، ذات متجاوز امریالیسم، اگر نتواند این «منافع حیاتی» را از طریق

اوباشان گروه قاسملو به سرکردگی سرسپردگان فراری شاه باقی، به روشهای ساواک‌منشانه خود علیه نیروهای مترقی و انقلابی، که بیره واقعی آنها را می‌نمایانند، ادامه میدهد.

آنها بدنبال یورش به دفتر حزب توده ایران در مهاباد، که ملی آن در پنجره‌ها را شکستند و کتابها و نشریات را سوزاندند، اکنون به آدم-دی دست میزنند و شبانه مسلحانه به خانه اعضاء و مسئولین حزب سكرات كردستان ایران (بیرو كنكره چهارم) هجوم می‌برند و آنها را ربوایند.

جمعه شب، اینان به سرکردگی سرهنگ‌علیار (افسر فراری رژیم افغوت) از قارنیهای مورد اعتماد قاسملو، در یوکان به منازل پاره‌ای افراد مله کردند و تعدادی را دستگیر و به نقاط نامعلوم بردند. نام تعدادی از

آدم‌دزدی

حرفه تازه اوباشان گروه قاسملو

حزب دمکرات (بیرو كنكره چهارم) است. وی اکنون بیمار است و رجانش در خطر قرار دارد.

ما ضمن محکوم کردن این اعمال رزیلانه و فاشیستی گروه قاسملو، این اقدامات را دلیل بر شکست عوام‌فریبی‌های این ضدانقلابیون و بر تفرقه دغاری «دمکرات‌ماپانه» آنها میدانیم.

قاسملوها بادستزدن به اعمالی چون سوزاندن نشریات افشاگر و دستگیری انسانهای مبارزی که با امریالیسم می‌ستیزند و خائنین را رسوا می‌کنند، خود را رسواتر و مردم را به حقایق نزدیک‌تر می‌کنند. قاسملوها باید بدانند که گروهی را برای مدتی می‌توان فریبند، ولی مردم را برای همیشه، هرگز!

بروید شدگان چنین است:

رحمن اصلانی، حامد جنتی، محمد بوکائی، ناصر وحیدی، ناصر فیض‌الله یگی، ناصر کیخسروی و منصور کیخسروی.

گروه‌های قاسملو قبلاً دوزخ دیگر را نیز بنامهای فاروق کیخسروی و محمد ماجدی، بهمن ترتیب برده بودند (فاروق کیخسروی از رهبران

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دشمنان و مخالفان حزب تودهٔ ایران، ریشه‌های اجتماعی وانگیزه‌هایشان

نورالدین کیانوری

درماه‌های اخیر، همهٔ مردم ایران شاهد این واقعب هستند که هم‌زمان با سبند بحاور امبرالیست‌ها و سروهای صدامعلاط علیه دستاوردهای انقلاب ایران، علیه موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران، حرب بوده؛ ایران سر به مقام بی‌سابقه‌ای مورد هجوم سروهای گوناگون درداخل و خارج کشور فرارگرفته است.

حربی که دربخس برخورد به این واقعب ایجاد نم‌کند، است که سروها و گروههایی که حرب بوده؛ ایران را مورد سخبسرب حملات فرارمی‌دهند؛ نه آن افرا می‌رسد و علیه آن دروغ اخبار می‌کند، درعن این‌که درسیه؛ عطلسا مل دو نیمه؛ سب سده؛ نکندکند، درمس؛ اجماعی و موضع‌گیری ساسی و موقعبسب سبب به انقلاب بهعج وحه نکلسسدو درموارد بسیار در دوظرف مدان عمده‌سرب سروهای اجماعی فراردارند.

از یک سو رادیوهای امبرالیستی "صدای آمریکا" و "بی‌بی‌سی" و دست‌ساده؛ تریاکی امبرالیست‌ها؛ بختیار و جناهایکاری مانند؛ اوپیی و دیگران حرب بوده؛ ایران را لجن مال می‌کنند و ازطرف دیگر همان لجن براکی و امرا و دروغ را کسای نگارمی‌کند که در صف مبارزان علیه امبرالیسم آمریکا جای گرفته‌اند.

بختیار خاثن و آقای هادی غفاری؛ روزنامه؛ "صبح آزادگان" و رادیوی بختیار و اوپیی؛ روزنامه؛ ابوالفضل قاسمی ساواکی؛ قطب زاده وزیرخارجه، موسدگان روزنامه؛ "انقلاب اسلامی" وحتی "کیهان" و "طلاعات" دریک زمان، همان ایامات فالی ساواک و سلطنت آرمامهری را علیه حزب توده؛ ایران اسار می‌دهد. راستی تعجب آور است.

هرفرد مسئول و کمی‌ماحس نبت انقلابی باید از خود پرسد که؛ اگر بختیار و اوپیی؛ کارگزاران امبرالیسم آمریکا؛ این‌گونه علیه حرب بوده؛ ایران و عمل سیاسی‌گف برلسب ناسزا می‌گویند و براس خط و نشان می‌کنند و وعده می‌دهند که درصورت موقعب نعتنه‌های جنایت‌بار کودتائسان، مسئولین حزب توده؛ ایران را بیلو به بیلوی رهبران روحاب ساز به دار خواهند زد، چرا بعضی از این افراد وابسه به روحانیت مبارز، نظیر هادی غفاری و فخرالدین حجازی، همی امراها و سازهای بختیار را سنتت نه حزب بوده؛ ایران سگار می‌کنند و درست درزمانی که باید ازهر امکانی برای موقت جهه؛ سروهای راستن دسمن آمریکا استفاده کرد، با بهجیر ناآگاهان متعصب و امکان دادن به عناصرصدامعلاط ساواکی؛ مراکز حزب توده؛ ایران را مورد هجوم غارتگرانه فرارمی‌دهند؟

برای همه؛ افراد ناخس نبت این پرس می‌شود که؛ درست همان وقتی که طرح کودتای جناهایکارانه امبرالیسم آمریکا، صهیونیس و ضدانقلاب درایران بیاده می‌شود، کودتایی که یکی از اولین هدف‌هایش، درکنار روحانیت مبارز صدامبرالیست، سرکوب کردن نابودکردن حزب‌توده؛ ایران است، چرا برخی مدعیان مبارزه صدامبرالیستی، کنگدراسیورس چی‌های سابق و سازکاران جهه؛ ملی و ملاقات کنندگان با برزیسکی؛ هرگونه خودداری را از دست می‌دهند و با لجام گسختگی بی‌نظری به حزب توده؛ ایران حمله می‌کنند؟

اگرحزب توده؛ ایران ساده‌نگر بود، بطورعادی ابظور نسجه می‌گرف که این‌ها همه سروته یک گرباسند، همه مانند بختیار و اوپیی عقال رنگارنگ امبرالیسم و ضدانقلاب‌ده؛ که ماسک‌های گوناگون به جهه زده‌اند، و همه نوازندگان ارکستر واحد آمریکائی – جنبی و آرمامهری‌هستند. ساده نگران این‌طور ارزیابی می‌کنند. ولی حزب توده؛ ایران با ساخت عمیق علمی خود ازجامعه‌انسانی و به‌ویژه از جامعه؛ کنونی ایران و مارخ و حرابانات ساسی‌اس؛ این‌طور ساده‌نگری نمی‌کند و می‌کوشد ارزیابی واقع بیانه‌ای ازاین بدیده؛ سگفت‌انکذ (!) به دست دهد. ما، می‌کوشیم مسئله را درسه زمینه مورد بررسی قرار دهیم:

- ۱- ریشه عینی این حمله همه‌جانبه به حزب توده؛ ایران
- ۲- طیف رنگارنگ دشمنان و مخالفان حزب توده؛ ایران و انگیزه‌ها و ریشه‌های دشمنی‌ها و مخالفت‌هایشان؛
- ۳- شیوه‌هایی که دراین حمله به کار گرفته می‌شود؛

۱- ریشه عینی حمله همه‌جانبه به حزب توده ایران

حراموج دشمنی و مخالفت با حزب توده؛ ایران دراین لحظه و با این سنت به حرکت درآمده است؛ به نظرها، این که درست درحساب‌ترین لحظات تاریخ انقلاب شکوهمند ایران که امبرالیسم و ضدانقلاب وابسه به آن، به حمله؛ تجاوزکارانه و همه‌جانبه برای ازبادآورردن جمهوری اسلامی و سکت انقلاب ایران دست زده‌اند، درست درلحظاتی که روس‌تر از هر زمان درتاریخ گذشته، درستی سیاست حزب توده؛ ایران، پشتیبانی همه‌جانبه‌اش از انقلاب و تلاش فداکارانه‌اش برای نگهداری دستاوردهای آن، مورد تأیید و سبج‌ترین اقتنار فعال سیاسی جامعه؛ ما قرار گرفته، این حمله آغاز شده و شدت بی‌سابقه‌ای یافته است، به‌هیچ وجه تصادفی نیست. به حق این پرس می‌تواند مطرح شود که؛ چرا این حمله؛ ازهمه‌سو، نمی‌تواند تصادفی باشد؟

به نظرها پاسخ این پرسش ساده است و آن این است که؛ درست به همان علت که این حمله دریک زمان و از همه‌سو آغاز شده است، یعنی هم ازسوی سوگند خورده‌ترین دشمنان انقلاب ایران، یعنی دستگاه‌های تبلیغاتی امبرالیسم و صهیونیس و مزدوران ایرانی آن‌ها، اوپیی و بختیار و... و هم ازطرف بخشی از نیروهای اصیل مبارزان مسلمان که در سگت‌های انقلاب جا دارنده؛ هم‌ازسوی همه نیروهای سیاسی بینابینی وابسته و نزدیک و متقابل به این دو سگتر اصلی متخاصم، یک چنین بدیده‌ای نمی‌تواند تصادفی باشد. منطقی این است که این‌طور ارزیابی کنیم که علت و یا یک‌رشته علل معین‌ه که به طورستقیم و یاغیرستقیم با موجودیت و عمل حزب توده؛ ایران بیوند و رابطه دارند؛ درعین حال موجب شده‌اند که این برخاشگری را ازهمه‌سو برانگیزند. این علت و یا رشته علل کدامند؟

به نظرها، آن علت عمده و پایه‌ای را، که برانگیزنده؛ این حمله؛ هم‌زمان دشمنانه و مخالفت‌آمیز ازهمه‌سو است، در درجه؛ اول باید دردرستی خدسناپذیر سیاست حزب توده؛ ایران، ازهمان آغاز رسد جنبش انقلابی معاصر ایران تا لحظه؛ کنونی، و بی‌آمده‌های با اهمیت و چشمگیر این سیاست دانست.

سمت‌گیری اساسی این سیاست که محصول شناخت دقیق علمی ما ازرویدادهای ایران و جهان است، این بوده و هست که حزب توده؛ ایران از همان لحظات آغاز گسترش جنبش، نقش انقلابی و مثبت سمت‌گیری‌های صدامبرالیستی و خلقی امام‌خمینی و هواداران بیگیش را به درستی تشخیص داد و استراتژی و تاکتیک خود را درجهت پشتیبانی از این خط و همچنین درجهت هموار ساختن راه همکاری صادقانه انقلابی میان مبارزان انقلابی بیرو خط امام‌خمینی و هواداران راستین بیرو سوسیالیسم علمی تعیین کرد، و علیرغم همه؛ کلوخ اندازی‌ها، مخالف خوانی‌ها، افتراها، توهین‌ها، تهدیدها و تمسخرها این سیاست را با بیگیری و بدون لرزل دنبال کرد.

نتایج این سیاست درست، چشمگیر و غیرقابل انکار است. حتی مخالفان سرسخت حزب توده؛ ایران نمی‌توانند نادیده بگیرند که دریک سال و نیچی که از انقلاب شکوهمند میهنمان می‌گذرد، اعتبار سیاسی حزب توده؛ ایران بدون ایست گسترش پیدا کرده است.

بد نیست به روزهای نخستین پس ازپیروزی بازگردیم. حزب توده؛ ایران که پس از ۳۰ سال مبارزه درشرایط اختناق، تازه گمر راست می‌کرد و با به عرصه مبارزه؛ علمی و قانونی می‌گذاشت نسبت به همه؛ گروه‌های سیاسی دیگر درشرایطی به مراتب دشوارتر قرار داشت و از امکاناتی دهه‌ها و صدها با رگم‌تراز آنان برخوردار بود. تبلیغات ۳۰ ساله؛ مشترک ساواک و سازکاران وابسته به جهه؛ ملی و همه؛ گروه‌ها و گروهک‌های منحرف با تمام شدت علیه حزب

بوده؛ ایران ادامه و روح داس.

ولی علیرغم این آغاز "ماساعد" حرب بوده؛ ایران با سبب درست خود هر روز راه‌های موجودیت حوس را درحامه محکم‌بر ساحت و درستی موضع‌گیری ساسی حوس را به‌انصار جدیدی از سروهای ناخس نبت هواداران انقلاب سنا داد.

اگر محولات یک سال رسم سن ارسروزی انقلاب را دستا بررسی کنیم به اس نسجه می‌رسیم که سنیا حرب بوده؛ ایران بدون حرجا و وقف، اعشار ساسی زور افروبی سنا کرده درصوبی که همه؛ گروه‌های ساسی دیگر، اعم از گروه‌های حاکم و نا گروه‌های عسراکم، نادچار حرجا‌های حدی گردیده و مداری از اعشار و نفوذ دوران اولنه خود را اردست داده‌اند و نا ماسد حنبه؛ ملی، حنبه؛ دموکراسگ ملی، نهضت آزادی و حرب ایران نه گلی ناورسکسکی ساسی روبرو سده‌اند. حتی درحنبه؛ سروهای حاکم این بدیده جسمکر است. همه ساهد آن هسسم که اولس سگاف درحنبه؛ سروی حاکم که به طور نگارحه ارحنبه؛ سروهایی سگنل می‌گردند که خود را اسلامی معرفی می‌کردند، به صورت انحلاط سدد سن حسی دولت موقت و سروهای سرو خط امام‌خمینی نظاهر گرد و رسد ناف و بالاخره نا سفرد سن و برکارسدن سروهای وابسه به حجاج لسرال (که نحی از آن ماسد سریه و امیراستقام و مقدم‌براعزای و نظائر آن‌ها عقال امبرالیسم ارکار درآمده‌اند)، ناان ناف.

سگاف بررک دوم به صورت انحلاط سدد در داخل سوای انقلاب، سن حجاجی که رشن جمهور سناکر موضع‌گیری‌های ساسی‌اس می‌باشد، و حجاج دیکری که درحرب جمهور ساسی حسم ماسه است، موجود آمد، و ما همه؛ کوس‌های سگرا امام‌خمینی برای ماسی وحدت‌عمل سن این دوحجاج، هورهم به سبب ادامه دار.

همی‌طور است وضع سروهای حب. در داخل گروه‌های حسگرا، حه اسلامی و حه هواداران سوسالیسم علمی هم این بدیده نخرد و حرجا و اردست دادن اعشار ساسی به‌طور روس دیده می‌شود.

این عامل واقعی، نمی‌تالا رس اعشار ساسی حرب بوده؛ ایران، درست در آمدن همه؛ ارزایی‌های ساسی و سن‌سنی‌های سن می‌بواند موجب آن بسود که دشمنان، همه سروی خود را برای درهم سگسسن بهجیر کند و مخالفان و رمنان که حوب نادرسی ساس‌های حوسی را می‌جوید، و دربرابر حسم همان اردست رس مواص خود را می‌سدد عسقه سجوید و اس عسقه‌را نه صورت برحاسگری حابه؛ عمل سوساند.

این است به نظرماعلب اصلی. اما این راهم باید اضافه کرد که نه ویره نوام سدن اس عامل ما عامل دیگر، یعنی باسدد تک رسد بدنده‌های حرجایی دراوضاع عمومی کشور که نحی ساسی از سربا ررم طاغوسی، مبارزه‌حاسبه امبرالیسم و دسائس صدامعلاط و بخش دیگر ساسی از بدام‌کاری‌ها، نارسانتی‌ها، کسودها و اسناهات سگس مقامات حاکمه؛ جمهوری اسلامی است، نه سبب ماسرا‌ن می‌افراد.

سن عامل داخلی به‌طورخالصه عمارست از نالا رس اعشار ساسی حرب بوده؛ ایران درسجه؛ ساسب درست و واقع‌بینانه‌اس، وناش آمدن اعشار و نفوذ همه گروه‌های دیگر ساسی و سدد بدنده‌های حرجایی درحجموعه رندکی کشور.

به اس عامل داخلی باید عامل خارجی را سیر افروم. به نظرها رویدادهای یک سال ونسم گذشته درحجیان، ساسب سروها درسدان عظیم سرد جهانی را بهزبان سروهای امبرالیستی و به سود حنبه؛ عظیم؛ سروهای صدامبرالیستی معسر داده است. دریک‌سال و نیم اخیر، ماسد تمام دوران سن از جنگ جهانی دوم، ما ساهد رسد و گسرس اعشار و نفوذ معنوی و مادی روز افزون و بدون وقفه؛ همه نه عنصرانه‌ای این حنبه؛ عظیم جهانی هسسم. این سه عنصر، یعنی کشورهای سوسالیستی، حسب کارگری کشورهای سرمایه‌داری رسد ماسه و جنبی‌های صد-امبرالیستی رهاثی بخش ملی، درعاصی حنبه، صرت‌نظرار برحی سگس‌های موضعی و غیرنبینی کسند، درحال بیسروی هسسد، و دربرابر آن‌ها امبرالیسم جهانی، دریک تلاش مدبوحانه، می‌کوسد برسافضاب روز افرون دروسی خودحیره سوز، نا بسول نه هرگونه جنباب دربرابر رسد و گسرس سروهای صد-امبرالیستی سد احزاب کند، بیسروی آنانرا دچار وقفه سازد و حسی‌مواص اردست رصه خودرابدست آورد. ولی ماساهدآن هسسم که این‌لاس مدبوحانه امبرالیست‌ها درحجموع خود باعدم موقعب روبرو است و روید معسر ماسب سروها به سود جهه؛ سروهای ضدامبرالیستی همچنان بدون وقفه ادامه دار.

سگس بوطنه‌های رنگارک امبرالیسم آمریکا دراکام ساحت انقلاب ایران و سگس نظر این بوطنه‌ها دررصه سددل امفاسان نه حیری سنه صر-ابورسادانی و ناکسان صبا‌الحنی، سگس بوطنه امبرالیسم آمریکا درخفه کردن انقلاب درآمریکای لاسین و آفریقای شباه، سگس بوطنه‌های مسرک امبرالیست‌های آمریکایی و حائیس حیمی درزمینه؛ دوباره به بند کسیدن خلق‌های آزاد سده و سسام و لاٹوس و به ویره کاسوجنا، نه لرزه درآمدن "در"هایی ماسند کره؛ جموسی، عربستان سعودی و ناکسان که ناحدی بیس مانند ایران آرمامهری "جزائرباب" دنیای حح سله؛ امبرالیست‌های آمریکایی به سنا می‌رفتند، همه و همه گویای این واقعب هستند که جنبی ریرایی غارتگران امبرالیستی به لرزه درآمده است. این عامل هم، به بویه؛ خود در ساسب نیروهای امبرالیستی و ضدانقلابی و سازگار و تسلیم‌طلب نسبت به حزب توده؛ ایران، که آگاه‌ترین و سگرس‌ترین گردان نیروهای ضدامبرالیستی و خلقی درایران است، تاثیر می‌کند. این عامل دربخش دیگری از سروها هم تاثیر می‌کند، سروهایی که به‌طورعمده درحنبه؛ ضدامبرالیستی مبارزه می‌کنند، ولی به علت نکگی خارجرب دسسیاسی و اجماعی و بی‌خبری دردناک از محولات عظیم دوران اخیرجهان وشناخت نادرست از واقعب‌های موجود جهانی، با رویدادها برخوردی قسری و کوته‌بینانه دارند.

این‌ها هستند عوامل تعیین کننده‌ای که می‌توان به‌عنوان ریشه عینی برای حملات همه جانبه ماه‌ها و به ویره هفته‌های اخیر به حزب توده؛ ایران درنظر گرفت.

۲- طیف رنگارنگ حمله کنندگان دشمنان و رقیبان

همان‌طور که یادآوری شد، نیروها، محافل ساسی، گروه‌ها و شخصه‌هایی که دردوران اخیر "قهرمانان" حمله بی‌بندوبار به حزب توده؛ ایران هسسد، طیف بسیار ناهمگون و رنگارنگی را تشکیل می‌دهند.

دریک سوی این طیف رادیوهای صدای آمریکا و بی‌بی‌سی و اسرائیل، یعنی بلندگویان امبرالیسم و صهیونیس و درمجاورت آن‌ها ضدانقلاب ایران، یعنی اوپیی و بختیار و اشرف و محققی‌ها و سیدیون‌ها و... قرارگرفته‌اند. این‌ها همان نیروهایی هستند که شب و روزتلاش می‌کنند، نقش می‌کنند، بوطنه می‌سازند و کودتا ترتیب می‌دهند، تا حتی با نابود کردن ۱۰ میلیون انسان درایران؛ رژیم جمهوری اسلامی را که به رهبری امام‌خمینی بوجود آمده و مستقر گردیده است رسته کن سازند.

این‌ها دریک سوی طیف حمله کنندگان لجام گسیخته به حزب توده؛ ایران قرارگرفته‌اند و حزب ما را بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن خود به حساب می‌گذارند.

دربرابر آن‌ها، آن‌سوی طیف را کسانی مانند هادی غفاری و دوستان ایسان اشغال کرده‌اند که آن‌طور که می‌شود از سابقه و عمل آن‌ها قضاوت کرد، با نیروهای امبرالیستی وضد انقلابی دشمنی آس‌ناپذیر دارند و مدعی‌اند که می‌خواهند خط ضدامبرالیستی و خلقی امام‌خمینی را بدون خدسه بیاده‌کنند.

درمیان این دو انتهای "طیف" هم همه؛ گروه‌ها و شخصت‌های دیگر قرارگرفته‌اند. اگر از بختیار شروع کنیم، به دنبال او رنجیری‌ها، خلق مسلمان‌ها، قاسلوه‌ها، گومله‌ها، پیگاری‌ها، جهیه؛ دموکراتیک‌مللی‌ها، لیبرال‌های دولت موقت، روزنامه؛ کیهان، جهیه؛ ملی؛ حزب ایران، "چریک‌های چپ‌گرای گروه اشرف"، "راه کارگری" ها و ماؤتسخت‌ها تازه مسلمان جای گرفته‌اند. روزنامه‌های گروه‌های اسلامی و صدا و سیما جمهوری اسلامی و... را نیز دراین طیف می‌بینیم، تا به افراطیون مذهبی مانند هادی غفاری و دوستانش درانتهای دیگرطیف برسیم.

البته، همان‌طور که درابتدا با روشنی بیان داستیم، ما هرگز برآن عقیده نیستیم که تنهاندشمنی و مخالف و جنگ انداختن به حزب ما کافی است که ما این سروها را درصف دشمنان خلق، درصف متحدان با امبرالیسم و ضدانقلاب بدانیم. به همین جهت، به‌طورکلی طیف دشمنان و مخالفان حزب را به چهار گروه، با ماهیت طبقاتی و سیاسی چهارگانه، می‌توان تقسیم کرد.

اول نیروهای وابسته به ضد انقلاب

بدون‌تردید آس‌ناپذیرترین و کین‌توز ترین دشمنان حزب توده؛ ایران را نیروهای وابسته به ضدانقلاب تشکیل می‌دهند. ضدانقلاب ایران، با پایه‌های جهانی و درونی‌اش، به‌حق حزب توده؛ ایران را دشمن خطرناک، سگبر و درآخرین تحلیل گویند خودبسنارمی‌آورد. فعالیت ۶۰ ساله جریان سیاسی که حزب ما نماینده؛ فکری و عملی آن است، و زندگی سیاسی نزدیک به ۴۰ سال حزب ما نشان داده است که جنبش توده‌ای ایران با آگاهی و روشن‌بینی علمی و با اراده‌ای تزلزل‌ناپذیر در راه ریشه‌کن کردن هرگونه سلطه غارتگرانه؛

امبرالیستی، هرگونه سلطه غارتگرانه ط سرمایه‌داران وابسه و بزرگ‌مالکان کام جهان، نه درمقابل احسان سباه سد محرومیت اجماعی (حه رسد درمقابل آورد. ضدانقلاب جنبی بوده‌ای ایران درمان خلق‌های میهن ما حای‌کرده‌ا و حاضر است، همان‌طور که سنا داده و سایرمحرومان حامع خدا کند.

ضدانقلاب، که درخارج برامبرال غارتگر و جنابکار جامعه، یعنی بزرگ و سرسردگان ساواکی و فرومابه‌سرب و صاحبان سگسکده‌ها را درسری‌کرد، این مظاهررصاد و درزی و غارت است مردم رسجیدده را علیه این جنایتکارا، بوده‌ای، نظیرجنبی بوده‌ای ایران، د‌هایی که ربربرجم‌های مذهبی با به سد هر روز محکم‌تر و آبدیده‌تر و برحیره‌سرب همه؛ این دلایل کاسیب که‌صدا خائنین سکن به نام "رنجبران"، دیوان این حمله جنون‌آمیز صدامعلاط گذرادند همه؛ مسئولان و فعالان حزه، کودتاجیان بیان گردیده است، کسبه نظرو او نسبت به حزب نشان می‌دهد

ما در درسی راهی که درسیب گروه‌های دیگر مدعی مبارزه ما امبرال درستی راهی که درسن گرفته‌اند، برد داخلی و امبرالیسم جهانی، رسا ا، ایران سرجک دارد و حاضران برای فعالیت آزاد ساسی بدهد، اس مابه بختیار باید آن گروه‌های ساسی را، طبقات حاکمه غارتگر و سرمایه‌دار وابسته نیروهای وابسه به‌ضدانقلاب ط

بخشی نیمه علمی، بخشی بنهانی و بخ دیگرعمل می‌کنند. مردم ایران درتجزیه آسنا شده‌اند. امروز دیگر جهه ضد

بنهانی، نظیرکودتاجیان، ضدانقلاب و دارودسه؛ قاسلو و ضدانقلاب اسلام گفته؛ حجت الاسلام ری‌شیری، حاکم اخیر دست داسمانند، ساخته سده‌اند، علوی و نظائر آنان هم رسوا سده‌اند، مظفرقیایی و شمس قات آبادی درصفو؛ و فرماندهی ارتس و نلیس و زابادامری، دو آتسه، به خیانت خود ادامه می‌دهند این ستون بنجم صدامعلاط در انقلاب است و می‌تواند درلحظات حه میهن ما وارد سازد، همان‌طور که مذهبی، دست دردست باید حناستگار و پایه‌های حاکمیت سباه ۲۵ ساله رژیم

دوم سازشکاران و تسلیم‌

ادامه نظام سرمایه داری

دومین جنبه؛ دشمنان حزب ما، ایران را سرمایه داران لیبرال سگنل، منافع محدود طبقاتی خود، سرک کر مواص سازشکارانه با امبرالیسم آمریکا و روشنی و صراحت بیان می‌کردند، ع بپهلوی! این قسره که جهه؛ ملی، نه میهنی بازگان، گردان‌های ساسی طرابالا سستیبان سوند و به‌طورعمه سرمایه‌داران، با نگاه طبقاتی آن را ن امبرالیستی و خلقی که امام‌خمینی بر آخر، کوشیدند که از درهم سگسسه‌سدر برین کوشش عملی این قسریود.

پس از انقلاب، از آنجا که ر سادت، دولت موقت، و به وسیله؛ آن موقت حفظ نظام سرمایه‌داری و برقرار بود. تمام تلاش نزیه‌ها، ایزدی‌ها، ا، رادر دست داشتند، دراین جهت بو مالکی را درباره مستحکم سازند.

با این ویژگی‌ها، دشمنی سگسب و اسلامی با زونی بسیار سگنل سرک نظام سرمایه‌داری وابسه و بزرگ مالک اکبر برآمده‌های رئیس دولت لیبرال و مناسب بالا رفتی اعشار حزب توده؛ ابرادی نه سیاست جاری حرب ما درب کسند.

حالب‌بوجه است که درمرداد و فعالیت علمی حزب توده؛ ایران رس؛ ساره؛ نامه؛ "مردم" حسی یک مورد اس واقعب رسد، رهبرایی و کس‌بو می‌یاب.

برای حرب بوده؛ ایران اس د ایران که سوساب انقلاب را درچار؛ نه سسر رخاسه است و می‌کوسد راه ما خود را ارحرج‌خلقی‌رسدن انقلاب رساهد. دراس تلاش، طسعی اسد ساسی ساسده؛ مافس، سوجه حه دسمن نظام غارتگری و واسگی نه اسر دراس موردم بطرحرب بوده سرک کسندگان درکفراس سارس جای تعجب بود. آن گروه‌های چپ، سازشکارترین جناح حاکمیت کنونی کشر چه خطای کمیره‌ای مرتکب شده‌اند که می‌کنند؟

درسازرات سیاسی دوران اخیر مواص سیاسی لیبرال‌ها وارد آمد. ر تاثیری درقسرت حاکمه ندارد، بد کل و به‌ویژه در اقتصاد کشر بسیار نیرو، احتیاجی و اقتصاد محدود بی‌اش عوامل تهدید کننده؛ سمت‌گیری خدا قدعلم کند.

بادام زمینی نصفه

وابستگی پاکستان به امپریالیسم آمریکا تشدید می شود

بگزارش خبرگزاری پارس و نقل از يك سخنوی «بانك آمريكا»، دولت پاکستان بموجب موافقتنامه ای، که درلندن امضا کرده، مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار ازبانك های امپریالیستی وام دریافت خواهد داشت. خبرگزاری پارس این مبلغ را عظیم ترین کمک مالی میخواند، که تاکنون دراختیار پاکستان قرار گرفته است. اعطای این وام به پاکستان درحالی صورت می پذیرد، که دولت فیصلالحق، از یکسو درسیاست داخلی هرچه بیشتر به تشدید حکومت ترور و اختناق خود می افزاید، و ازسوی دیگر درصحنه سیاست خارجی، آشکارا به یکی از مهم ترین عاملان اجرای مقاصد امپریالیسم آمریکا در منطقه بدل میشود.

یکی از دارمغان های رژیم ورشکسته فیصل الحق برای مردم آن کشور، اقتصادی بس فلاکت بار است. نرخ رشد اقتصادی پاکستان درسال گذشته تنها ۲٫۵ درصد، یعنی حتی نیم درصد کمتر از آنکه رشد سکنه آن کشور بود. کارشناسان اقتصادی، نرخ تورم را در پاکستان ۲۰۰۰ درصد تخمین زده اند. ذخیره ارزی پاکستان، که درسال ۱۳۵۶، ۴۰۰ میلیون دلار بود، درپایان سال گذشته به ۱۲۰ میلیون دلار کاهش

یافت. کسر موازنه پرداخت های سالانه پاکستان ازسرنوونی دولت بوتو تاکنون بیش از دو برابر شده و به ۱٫۶ میلیارد دلار رسیده است. بدین پاکستان به خارج اینک با مقدار ۱٫۶ میلیارد دلار رکورد جدیدی بجای گذاشته است. تنها بهره سالانه ای که بابت این بدی پرداخت میشود، ۵۰۰ میلیون دلار، یعنی ۲۰ درصد درآمدی است که از بابت صادرات عاید پاکستان میگردد! اکنون متجاوز از یکسوم نیروی کارپاکستان بیکار است. هرساله ۱۰۰ هزار پاکستانی، بقصد جستجوی کار در خارج، ازجمله درایران، کشور را ترک میکنند.

مقامات پاکستان بجای آنکه با اتخاذ سیاست ملی، چه درزمینه اقتصادی و چه در کسره سیاسی، به حل مشکلات توانفرسای مردم آن کشور بپردازند، باتشدید وابستگی به کشورهای امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا، درواقع، به تعمیق بحران اقتصادی و فلاکت خلق پاکستان دامن میزنند.

درحالیکه مصارف نظامی پاکستان پنجاه درصد بوده آن کشور رامیبلد، فقط هدرصد بودجه صرف فرهنگ و آموزش میشود. از این بودجه عظیم نظامی تنها برای سرکوب مردم پاکستان و تجاوز به کشورهای

همسایه، افغانستان، هندوستان و ایران میگردد. طبیعی است، که «جیمی بادام کار»، درازای خوش خدمتی فیصلالحق ها و آقا شاه ها، ازجمله میزبانی کنفرانس های «همبستگی با اشرار افغانی»، «نیم بادام زمینی» هم جلوی آنها میاندازد. (خبرگزاری های امپریالیستی چندماه پیش گزارش دادند که فیصلالحق پیشنهاد «کمک» ۴۰۰ میلیون دلاری آمریکا را، «بادام زمینی» خواند و آنرا «رده» کرد). البته حتما این «بادام زمینی» هم باین آسانی نصیب فیصلالحق و شرکا که نشده است. سفر گدایی غلام اسحق خان، وزیر دارایی پاکستان، به در جهان و در یوزگی او در قبال «سندوق بین المللی پول» و امپریالیست های آمریکایی، آلمان غربی، فرانسوی، بریتانیایی و غیره ظاهرا چندان موفقیت آمیز نبود.

بنظر میرسد که بازگرداندن صنایع ملی شده به صاحبان خصوصی آنها و تسهیل شرائط سرمایه گذاری امپریالیستی نیز کافی نبود، که «دارباب» دست بجیب ببرد.

آینده نشان خواهد داد که فیصلالحق باقول چه «خوش خدمتی» های مختصر باین «بادام زمینی نصفه» شده است.

همکاری نظامی امریکا و چین بر ضد خلقها



امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که چینی ها درگستره نظامی نیز به هم پیمانی با امپریالیسم آمریکا تن در داده اند. هدف از این هم پیمانی، مقابله با بیکار خلقها و محافل واقع بین در راه تنس زدایی و خلع سلاح، و دگرگونی توازن استراتژیک نیروها به زیان سوسیالیسم و برتری جویی نظامی و آرزوی بازگشت به دورانی است که امپریالیسم می توانست سانتاز را نایه سیاست بین المللی قرار دهد.

تحول نامبرده، هر چند هم که هشدار دهنده وجدی است، به هیچ روی شگفتی بر نمی انگیزد. سه سال پیش، یکی از فراخوانهای بازدهمین کنفرانس حزب کمونیست چین، ایجاد جبهه واحدی در سینه «بین المللی علیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود.

کامل دیپلماتیک میان چین و آمریکا برقرار شده بود. در جریان دیدار دنگ شیائوپینگ، معاون نخست وزیر چین بود که، این معلم خود خوانده، ظاهرا در برتو تسویق و ترغیب کاخ سفید، تصمیم مائوئیستی را مبنی بر «درس دادن» به ویتنام آزمون داده اعلام کرد.

هم پیمانی نظامی برتری جوان یکن و امپریالیست ها بختی است از استراتژی جهانشمول امپریالیسم، که سالهاست برای پیشبرد منافع جهانخواهان امپریالیست ها تدارک دیده شده است و «افغانستان» و رویدادهای مشابه تنها بیانه ای است برای استراتژی این دسیسه لید و خاندان برانداز.

در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۸، یعنی در اوج تحریم اقتصادی آمریکا علیه اتحاد شوروی، قرار داد بازرگانی میان واشنگتن و بکن امضا شد، که بموجب آن آمریکا حداکثر تسهیلات تجاری را برای چین قائل گشت. چندی بعد فرانک برن، نماینده ویژه کارتر، قراردادی درباره همکاری

«علمی- فنی» در بکن امضا کرد. در جریان این دیدار، مذاکراتی نیز پیرامون ساختن یک «ماهواره مشترک اطلاعاتی - ارتباطی» صورت پذیرفت.

در دیماه ۱۳۵۸، هنگامی که چارچیان امپریالیسم گوس جهانیان را با تبلیغات ضد افغانی خود گرمی کردند، براون، وزیر دفاع آمریکا، از بکن دیدار کرد. دوطرف اعلام داشتند که در «بسیاری مسائل عمیقاً تفهمن» و تصمیم گرفته اند که در زمینه نظامی نیز هماهنگی های نزدیکی را بایکدیگر برقرار سازند. در این مذاکرات، درباره آموزش افسران چینی در آمریکا گفتگو به عمل آمد. براون قول داد که آمریکا به واگذاری تکنولوژی های مهمی، چون «لندست»، به رهبری مائوئیستی اقدام خواهد ورزید. یادآور میشویم که، آمریکا از این ایستگاه زمینی ماهواره، برای عملیات جاسوسی علیه اتحاد شوروی استفاده می کند.

در روز ۲۷ اردیبهست امسال، چین برای نخستین بار به برتاب دو موسک میان قاره ای مبادرت جست. می توان حدس زد که این اقدام تنها با استفاده از تکنولوژی و شمارگرهای آمریکایی امکان پذیر بوده است. البته نیروی دریایی آمریکا نیز لطف کرد و باسداری از منطقه هدف را در اقیانوس آرام به عهده گرفت! چند روز بعد، در نخستین دهه ماه خرداد، دنگ شیائو سفر براون را از بکن، با دیداری از واشنگتن، باصطلاح پاسخ گفت. برای درک اهمیت واقعی این دیدار باید یاد آور شد که دنگ هرچند باشد، عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و معاون نخست وزیر آن کشور است. وی، که همچنین ریاست کمیسیون نظامی کمیته مرکزی را بعهده دارد، بخاطر مواضع ضد شوروی خود بس «مشهور» است.

از دنگ در آمریکا با احترام فراوان پذیرایی شد و با جمیع «برگزیدگان» واشنگتن، از جمله برزیدنت کارتر، مشاور امنیتی او برژینسکی، براون و ماسکی ملاقات بعمل آورد. در همه این دیدارها، پیوسته به جو «صمیمانه و دوستانه» اشاره شد.

ره آورد این سفر چه بود؟ تعهد واگذاری مهم ترین تکنولوژی ها و تجهیزات نظامی به مبلغ میلیون ها دلار، که از جمله اقلام زیر را در بر می گیرد:

هلیکوپترهای نفربر، هواپیماهای جنگی، دستگاه های رادار ویژه دفاع هوایی تاکتیکی، موتورهای جت، دستگاه های اطلاعاتی، شمارگر و آنتن های آزیروسریع و غیره.

دنگ از برخی از کنسرن های تسلیحاتی، که واگذاری تجهیزات نامبرده را متقبل شده اند، بازدید کرد و امکان دریافت مستقیم جنگ افزار را نیز خاطرنشان ساخت.

س از بازگشت دنگ به بکن، تدارکات ادامه سیاست ماجراجویانه و خطرناک چین، تشدید یافت. چهارتن از اعضای بوروی سیاسی و معاونان نخست وزیر، که نزدیکی نظامی را به آمریکا بلاشرط نمی پذیرفتند، به اتهام همکاری با «باند چهار نفره» «یاکساز» شدند و آمریکا دوستهای اطراف دنگ شیائوپینگ جای آنها را گرفتند.

اختلاف نظر در درون ارتش نیز، پس از «خفه شو» بیرون جنگ سرد، فعلا پایان یافته است.

در همان حال چین مذاکرات خود را، برای عادی سازی روابطش با اتحاد شوروی و ویتنام، یکباره قطع کرد.

سلاح های آمریکایی در دست مائوئیست ها، نه تنها امنیت کشورهای سوسیالیستی و قاره آسیا را تهدید می کند، بلکه بویژه صلح جهانی را به خطر می اندازد. اتحاد شوروی و دیگر نیروهای ضدامپریالیست و صلح جوی جهان بارها در اینباره هشدار داده اند. با گرفتن آتش از دست آتش افروزان یکن، می توان از ماجراجویی جهانسوز جلوگیری کرد.

اعلامیه هواداران حزب توده ایران در آمریکا

حمله پلیس ددمنش را به اسرائیلان هوادار انقلاب در لندن و سان دیگو محکوم میکنیم و آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان را خواهانیم.

انقلاب مردم ایران آنچنان ضربه ای بر بیکر لیزان امپریالیسم جهانی وارد کرده است که این دشمنان بشریت، از بیم گسترش آرمانهای آن هر گونه صدای مدافع انقلاب را باسددترین عکس العمل فاشیستی پاسخ می دهند. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای سرکوب انقلاب لفظی ازبای ننسته و از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

این شیطان بزرگ، از زمان تاسیس جمهوری اسلامی ایران تاکنون، به شیوه های مختلف، مانند حمله نظامی، کودتاگری، محاصره اقتصادی و جنگ افروزی می گوشت، تا کشور ما را دوباره به زنجیر بکشد.

سازماندهی ضدانقلابیون ایرانی توسط سیا و سازمانهای جاسوسی انگلیس و دیگر کشورهای امپریالیستی در اروپا و آمریکا حربه دیگری است بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی ایران و مسموم کردن هرچه بیشتر افکار عمومی جهان علیه انقلاب ایران و رهبران امام خمینی.

ولی امپریالیسم جهانی در سرزمین خود نیز با مقاومت بیگانه هواداران انقلاب که بازتاب مبارزات آگاهانه ضدامپریالیستی مردم قهرمان ما است، روبروست.

هموطنان مبارز، روز یکشنبه ۵ مرداد، طی حمله پلیس مزدور آمریکا به صف تظاهرات مسالمت آمیز ایرانیان طرفدار انقلاب در واشنگتن، که به مقابله با تجمع عوامل شاه ملعون و بختیاختارخان

برخاسته بودند، حدود ۴۰ نفر زخمی و نزدیک به ۲۰۰ نفر دستگیر شدند. متعاقب آن ایرانیان مبارز درلندن و سان دیگو و جند نقطه دیگر، طی تظاهرات مسالمت آمیزی، آزادی فوری و بدون قید و شرط خواهران و برادران دستگیر شده را خواستار شدند، که با عکس العمل وحشیانه پلیس محلی مواجه گشتند.

درلندن پلیس مزدور عده کثیری را مضرور و بیس از ۴۰ نفر رادستگیر کرد. این اقدام بربرمنشانه پلیس انگلیس با تظاهرات ایرانیان هوادار انقلاب در مقابل دادگاه درلندن مواجه شد. پلیس لندن وقاحت را به آنجا رساند که ۶ نفر از آنها را نیز دستگیر و زندانی کرد.

امپریالیسم انگلیس، این گفتار بیهوده و با توطئه سکوت، چهره بی طرف نسان دهنده از خشم مردم ایران مصون بماند.

در سان دیگو (کالیفرنیا) ایرانیان هوادار انقلاب، در دانشگاه ایالتی این شهر، در اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس و ابراز همبستگی با مبارزان در بند در واشنگتن تجمع کردند و سپس به نماز ایستادند. در این هنگام پلیس به آنها حمله کرد و بیس از مضرور ساختن عده ای، بیس از ۳ نفر را دستگیر و زندانی کرد.

مارفتر پلیس فاشیست آمریکا و انگلیس را نسبت به هواداران انقلاب بسدت محکوم می کنیم و آزادی خواهران و برادران دستگیر شده را خواهانیم و در حد توان خود برای همکاری و همیاری با همه طرفداران انقلاب مردمی ایران، بهره گیری امام خمینی، آماده ایم.

امپریالیسم آمریکا که در کمین نسته و از هر فرصتی در جهت بر آوردن اهداف سوم خود بهره برداری می کند، اکنون نیز از طریق رسانه های گروهی می گوشت، تا هرچه بیشتر اعمال تجاوزگرانه و جنگ طلبانه خود را علیه جمهوری اسلامی ایران زمینه سازی کند و افکار عمومی مردم آمریکا را بیس

از بیس علیه انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما و رهبران امام خمینی تحریک نماید.

تنها با اتحاد و هشیاری همه نیروهای انقلابی میتوان دسائس و توطئه های همه جانبه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درهم شکست و انقلاب را تا پیروزی نهایی به پیش برد اتحاد ما ضامن پیروزی ما ست.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!
پیروزی باد انقلاب ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری امام خمینی!
برقرار باد جبهه متحد خلق!

هواداران حزب توده ایران در آمریکا
۱۷ مرداد ۱۳۵۹



پلیس دشمن
امپریالیسم آمریکا

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

سندیکای کارگران بلورسازی:

کارفرمایان ابتدائی ترین حقوق کارگران را زیر پا میگذارند و باعث نارضایتی کارگران اند

هیئت مدیره سندیکای کارگران بلورسازی تهران، براساس سکوائیهای کارگران این صنف و جمع بندی آنها، طی اطلاعیهای خطاب به کارفرمایان صنف لوله سازی و سفیدسازی های تهران و حومه، ضمن طرح سنوالباهی، خواستار رعایت حقوق کارگران شده است.

در این اطلاعیه با اشاره به تعطیل کردن بیست و یک کارخانه های لوله سازی از سوی کارفرمایان (به مدت دوتا سه ماه در سال) سزاوارت تمام دستمزد ایام تعطیل به کارگران، از کارفرمایان خواسته شده است.

به کارگران، به ازای هر یک ماه تعطیل، فقط معادل ۱۵ روز دستمزد پرداخت شود. کارگران از مزایای قانونی نظیر حق مسکن، خواربار و حداقل دستمزد و مرخصی سالیانه محروم اند. آنان در مقابل کوچکترین اعتراضی به اخراج تهدید می شوند.

کارفرمایان با پرداخت کمترین دستمزد کارگران را هر چه بیشتر به کار می کنند و به هیچ وجه در فکر این نیستند که براساس رقابت های سودجویانه سان و بی توجهی به امر تولید، چه زیانهای وارد می آورند.

در اطلاعیه از جمله به تولید نشدن کالاهای ضرور نظیر لوله ۱۵ و کاسه ۵ و گردسوز و زنبوری که در حال حاضر از خارج وارد می شود - اشاره شده و سؤال می شود:

"چرا این گونه بازار مصرف را بخاطر رقابت های نامشروع و تولید نامرغوب، از دست می دهیم؟" کارفرمایان در عین اینکه ۷٪ از دستمزد کارگران را کسر می کنند، تا به سال زمان تامین اجتماعی پرداخت می کنند، غالباً از ارسال لیست بیمه و دستمزد به این سازمان خودداری می کنند. در پایان، اطلاعیه خواستار تحویل لیست کارگران ساغل به بیمه و مطلع کردن سندیکا از نتیجه آن شده است.

هیئت مدیره کارگران سندیکای بلورسازی تهران در عین حال طی نامه ای به وزیر کار و امور

اجتماعی، ضمن تاکید بر این که کارفرمایان ۵۴ کارخانه بلورسازی در رعایت حقوق کارگران ونوجه به خواسته های آنها کمال بی بوجوبی را از خود نشان می دهند، بابرسمردن خواسته های کارگران، خواستار اقدام عملی در جهت تحقق آنها شده است.

خواسته های کارگران بقراریز در نامه سندیکا مطرح شده است:

- پرداخت حق مسکن و خواربار،
- اجراء حداقل دستمزد در کلیه کارخانجات،
- اخراج بدون دلیل کارگران متوقف شود،
- کارفرمایان از کارگرفیل از شروع بکار سفیدمهر می گیرند، پیشنهاد می شود که به اداره کار ابلاغ شود، این سفیدمهرها از درجه اعتبار ساقط شود،
- کارفرما از کارگرفی خارج استفاده می کند،
- کارگرفی برای این که مزایای قانونی خود را طلب می کند، اخراج می شود،

- در موقع اخراج، کارگران حداقل ۳ الی ۴ ماه سرگردان اند. پیشنهاد می شود، در صورتی که کارفرما کارگری را نمی خواهد، ۱۵ روز قبل به کارگر اطلاع داده شود، تا کارگر بتواند برای خود کاری دست و ناکند، یا مزایای قانونی خود را از طریق اداره کار دریافت نماید.

- کلیه کارگران در بدترین شرایط در کارخانجات بلورسازی مشغول بکارند. سالن ناهار خوری و محل رخت کن در هیچ کارخانه ای وجود ندارد.

- کارخانجات بلورسازی توسط بازرسی وزارت کار از نظریه داشت محیط کار و ... کنترل شود. در کارخانجاتی که فاقد جواز تهررداری هستند، کارفرما ملزم به دریافت جواز و بهبود شرایط محیط کار شود، تا کارگران بتوانند در محیط بهداشتی نری بکار خود مشغول شوند.

لازم به توضیح است که بعضی از کارفرمایان محللهائی را که قبلاً گوداری بود، به مشکل کارخانه بلورسازی در آورده اند.

کارگران یازنشتسته سیمان ری

سرانجام پس از سی و پنج یا چهل سال کار در میان گردو غبار و تحمل رنجها و بی عدالیهای در کارخانه سیمان ری، کارگران یازنشتسته می شوند. کارگران که پس از انقلاب مدتها محرم برهه تصویب طرح طبقه بندی مساغل بودند، وقتی دیدند که نتیجه ای نمی گیرند و حتی چند نفر از کارگران قدیمی را هم با بی حرسی یازنشتسته کردند، همگی تقاضای یازنشتستگی کردند. برابر اقدام دستجمعی این کارگران، بیم آن می رفت که کارخانه نتواند به کار عادی خود ادامه دهد. لذا بعضی از کارگران قدیمی - با همه دلگیری ها و دل سردی ها - از آنجا که نمی خواستند حتی یکی از خرچهای اقتصاد مملکت هم از گار بیفقد مدعی برسر کار خود باقی مانده اند.

اکنون حقوق یازنشتستگی مهمترین مسئله این زحمتگسان است. آیا باز باید پس از عمری کار، در این سنین سیری، کنار خیابان بساط پهن کرد و یادگارگاهها به کاربرداخت؟ یا این که حقوق یازنشتستگی می تواند زندگی خانواده آنها را تامین کند؟ اگر قرار باشد حقوق آنها بر اساس میانگین حقوق دوسال گذشته حساب شود، ظلم بزرگی است که در حق آنها انجام می گیرد.

حقوق روزانه آنها از دوسال پیش به این طرف، تقریباً به این سربیب بوده است: ۴۷۰ ریال، ۵۶۰ ریال، ۶۵۰ ریال و بالاخره ۱۰۰۰ ریال.

اکنون که طرح طبقه بندی سیاده نشده است باید با تامین یک رفاه نسبی در دوران یازنشتستگی آنها راست به انقلاب دلگرم کرد.

بدیهی است که مجموعه امکانات و مزایایی که یک جامعه در اختیار زحمتگسان یازنشتسته می گذارد. نشان دهنده میزان احترام و درجه مسئولیتی است که در قبال زندگی کلیه حقوق بگیران احساس می کند.

در یک جامعه انقلابی، مهمترین ملاک برای تعیین این مزایا و سهمی که به تامین زندگی یازنشتگان ملق می گیرد. نیازهای واقعی و حدود احتیاج اجتماعی آنان است. در این جایز یک سیستم انقلابی خود را به کاغذ بازی و حساب سازی نهم محدود می کند و نه دلخوش. مبنای درستی کار چنین نظامی در آسایش محرومان و مزدبگیران است.

وسخن آخرین این که، حقوق و مزایای یازنشتستگی، آیینیه ای است که زحمتگسان با کباخته آینده خود را در آن می بینند. به امید آن که این تابلو، دورنمای سکوفائی از یک زندگی بی دغدغه رابه زحمتگسان میهن ما ارزانی دارد.

اخبار کارگری

کانون شوراهای کارگری شرق تهران: لغو سود ویژه بنفع انقلاب نیست

کانون شوراهای کارگری شرق تهران، متشکل از نمایندگان و اعضای شوراهای اسلامی منطقه شرق تهران، در مورد لغو سود ویژه کارگران اطلاعیه ای منتشر کرد.

در این اطلاعیه، در ارتباط با ماهیت قانون سهم کردن کارگران و تبلیغات کرکننده ریم سابق در این زمینه، در عین تنسید استمرار کارگران، آمده است:

"مساله سود ویژه به این صورت بود که کارفرمایان قسمتی از حقوق کارگران را بخاطر نفع بیشتر خودو استثمار بیشتر کارگران، نزد خود نگاه می داشتند و هر چند ماه یکبار، پانسی از پانسی سال، به کارگران - به عنوان این که آنها را در سود شریک کرده اند - می دادند و با این کار رژیم شاه خائن می خواست خود را طرفدار کارگر جلوه دهد."

در ادامه اطلاعیه، تصمیم شورای انقلاب در مورد لغو سود ویژه، و نادیده گرفتن واقعیت فوق "به معنای بخشیدن قسمتی از حقوق کارگران به سرمایه داران" ارزیابی شده است.

در پایان اطلاعیه، ضمن اشاره به اعلامیه وزارت کار، که این تصمیم را "بخاطر نجات کارخانه ها و کارگاهها از خطر رکود بیشتر" قلمداد کرده و آن را "سود کارگران و کشور" دانسته، آمده است که:

"چرا همیشه برای نجات کشور از رکود، لقمه ای از گلو کارگران بیرون می کشند؟ چرا بجای فشار به سرمایه داران، به کارگران هر چه بیشتر فشار می آورند؟ این لایحه در نهایت، حمایت از سرمایه داران و سرمایه داری وابسته است و به ضرر کارگران و کشور.

ما اعلام می کنیم که لغو سود ویژه بنفع انقلاب نیست و بحران و رکود موجود را برطرف نمی کند، بلکه این اقدام حمایت آشکاری از سرمایه داران است و تنها و تنها بر محرومیت کارگران و فقر و نداری آنان می افزاید."

بدقیقت کربن بلاک فوق العاده بالا بود و کیفیت دوده آنها نیز با استانداردهای کبان تایر تفاوت داشت.

باتوجه به اینکه در این یکماه حتی یک حلقه لاستیک تولید نشده است، مساله آینده کارخانه مطرح شده و در بین کارگران نیز ترس از بیکاری بالا گرفته است.

در کارخانه جنرال تایر و رایر ایران، واقع در جاده کرج، موجودی دوده تمام شده و کارخانه در آستانه تعطیل قرار دارد.

در برجستون شیراز وضع به همین منوال است و کار تعطیل است.

باتوجه به اینکه در صنایع لاستیک سازی در ایران چند هزار کارگر کار می کنند، مسئله کارین بلاک اهواز توانسته است وضع بسیار وخیمی را بوجود آورد، و ادامهاین وضع تنها بسود ضد انقلاب است.

نکته بسیار دردناک آنست که، در کارخانه کبان تایر، آن قسمت از مواد اولیه که از خارج وارد می شود، موجود است، ولی کمبود "دوده"، که در خود ایران تولید می شود، کار کارخانه را خوابانیده است.

باتوجه مسئولین وزارت نفت و وزارت صنایع و معادن را به این امر جلب می کنیم. بدیهی است که هرگونه بی توجهی، تعلل یا سرسری گرفتن مسائلی از این دست، که مستقیماً با سرنوشته هزاران کارگر مربوط می شود، در حد خود عوارض جبران ناپذیری به همراه دارد.

در شرایط کنونی میهن ما، که درگیر یک مبارزه همه جانبه با امپریالیسم آمریکاست، این مبارزه از جمله در ساخه اقتصاد با سدت جریان دارد. امپریالیسم می کوشد تا ما را در این زمینه فلج کند. و بدین منظور محاصره اقتصادی را در جهت به زانو در آوردن مردم طراحی کرده است. برای خنثی کردن برنامه های شیطانی آمریکا باید کوشید که واحدهای تولیدی نه تنها تعطیل نشوند، بلکه هر چه بیشتر بر کمیت و کیفیت تولید خود بیفزایند، تا همزمان با جوابگویی نیازهای مصرفی داخلی، امکان رقابت با انواع کالاهای مشابه در منطقه را نیز داشته باشند.

از این نظر، بی توجهی به امر حیاتی تامین وحدت نظری و عملی در کار اداره واحدها و نیز تامین حداقل نیازهای کارگران و کارکنان، زیانهای گاه مهلکی بر بیکر اقتصاد میهن انقلابی ما وارد می آورد.

در باره صنایع لاستیک سازی و مشکل مواد اولیه

مسائل کارگری

مسئولین دولت انقلاب حق ندارند در برخورد با زحمتگسان از منطق چماق استفاده کنند. متجاوز از چندماه است که در کارخانه کربن بلاک اهواز، برائمسائلی که برای کارکنان آن کماکان لاینحل باقی مانده، متاسفانه کار تولید متوقف شده است. تعطیل این کارخانه با بیامدهای تاسف بار و زیانبخشی همراه است که با گذشت زمان هر چه آشکارتر میشود.

کارخانه کربن بلاک، سازنده "دوده" است. این دوده به عنوان ماده اولیه در کارخانجات لاستیک سازی، کفش سازی، و اشرا سازی و بلاستیک کاری بکار می رود. این کارخانه فوق العاده مدرن است، و از این نظر با تعداد کمی کارگر و کارمند (کمتر از صد نفر و غالباً تکنسین و مهندس) می تواند تولید بسیار قابل توجهی داشته باشد.

مدتی قبل وزارت نفت دستور داد که این کارخانه جزء وزارت نفت و قسمتهای تابعه آن بشود. این تصمیم با این خواست کارکنان کارین بلاک روبرو شد که: اول باید حقوق و مزایای ما را برابر با کارمندان شرکت نفت بپردازید.

مقاومت وزارت نفت از یکطرف، و سرخستی کارکنان این کارخانه از سوی دیگر، کار را به اعتصاب کشاند.

نتیجه اینکه کارخانجات کبان تایر، لاستیک جنرال، برجستون شیراز، ایران یاسا، کفش ملی و کارخانجات و اشرا سازی نیز در خطر توقف تولید قرار گرفتند.

برای نمونه در کارخانه کبان تایر، واقع در جاده ساوه اکنون بیش از یک ماه است که کار تعطیل شده است. اول سه هفته تعطیل کردند، زیرا فکر می کردند که تا این مدت، دوده به کارخانه می رسد. ولی بعد مجبور شدند یک هفته دستگیر کارخانه را بخوابانند (تا ۲۵ مرداد) در این مدت با چند واسطه در خارج به منظور خرید دوده ماس گرفته شده ولی قیمت های آن نسبت

درجهان سوسیالیسم

درجهان سرمایه داری

باسر خپوستان در کانادامثل برده رفتار میشود

نود درصد ۱۴ هزار کارگر روستایی ایالت «بریتیش کلمبیا»، واقع در غرب کانادا، سرخپوست و اکثر آنها زن هستند. بگفته راجووان، رئیس «سندیکای کارگران روستایی کانادا»، با نامبرندگان «مثل برده رفتار میشود». وی اضافه کرد که این سرخپوستان «از سرگونه بیمه اجتماعی و بهداشتی محرومند و دستمزد آنها کفایت معنی خود و خانواده هایشان را نمیدهد».

کارگران روستایی سرخپوست تا ۱۶ ساعت در مزارع نر میکنند و دستمزدی که دریافت میدارند، تنها بحدی است که آنها را زنده نگه دارد. دودکان آنها نیز که از هفت سالگی بکار گماشته میشوند، هیچگونه دستمزدی دریافت نمی دارند.

کارگران روستایی سرخپوست اغلب مجبورند مسافت زیادی را از خانه به مزارع بپیمایند و مخارج سنگین ایاب و ذهاب را از محل درآمد ناچیز خود متحمل گردند. بسیاری از آنها در ازای اجاره یک اتاق کوچک، بمساحت ۷/۵ متر، اغلب ماهانه ۲۰۰ دلار قانادایی می پردازند. اینگونه «خانه ها» نه بخاری و تهویه دارد و نه وسائل بهداشتی.

تاکنون مقررات و قوانینی برای دفاع از حقوق و منافع کارگران سرخپوست در کانادا وجود نداشته است. کارگران روستایی سرخپوست برای پیشبرد منافع حنئی خود هر چه بیشتر در «سندیکای کارگران روستایی کانادا» متشکل میشوند، که دوماه پیش تأسیس یافت. هر چند اینگونه افراد اغلب بی اتییدید بمرک روبرو میگردند. سندیکای نامبرده اعضا شون ۳۰۰ عضو دارد.

درجهان سوسیالیسم

درجهان سرمایه داری

سرما به گذاری هنگفت کشورها

سوسیالیستی در صنعت، کشاورزی و خدمات اجتماعی در سال گذشته، کشورهای عضو " شورای همیاری اقتصادی مبالغ هنگفتی در صنعت، کشاورزی و خدمات اجتماعی سرما به گذاری کردند. در سالهای ۵۸-۱۳۵۵، سرما به گذاری جدید سبب گردید که تولید نیروی برق ۵۵ میلیون کیلووات، نفت ۷۷ میلیون تن، ذغال سنگ ۲۱۰ میلیون تن و سیمان ۲۲ میلیون تن افزایش یابد.

جدول زیر اطلاعات بیشتری درباره سرما به گذاری کشورهای عضو "شورا" بدست میدهد:

Table with 2 columns: Country (کشور) and Investment (سرما به گذاری در سال ۱۳۵۸). Rows include Bulgaria (بلغارستان), Mexico (مکزیک), West Germany (ویتنام), etc.

* این رقم مربوط به سال ۱۳۵۷ است.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتگسان سنگینی می کند. زحمتگسان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

دهقانان بی‌بوسند

دهقانان جونوش: صدای ما را به تمام روستائیان برسانید، تا بدانند از دست بازمانده فتودالها چه می‌کشیم

دهقانان روستای جونوش، فراهان اراک، طی نامهای به دادسرای انقلاب اسلامی اراک، به تشریح مشکل خویش پرداخته‌اند. این دهقانان همچنین رونوشت نامه خود را به دفترنامه "مردم" ارسال داشته و نوشته اند: "روزنامه محترم مردم - با احترام، عرضهای ضمیمه، که به حضورتان تقدیم می‌نماید، رونوشت شکوایتهای اهالی محروم و ستم دیده روستای جونوش فراهان اراک است، که به دادسرای انقلاب اسلامی اراک تقدیم داشته‌ایم. از شما تقاضا داریم صدای ما را به تمام روستائیان این ملک برسانید، تا بدانند ما از دست آخرین بازمانده فتودالهای ظالم چه می‌کشیم. با احترام اعضای شورای قریه جونوش"

دهقانان زحمتکش جونوش درابتدا متذکر شده‌اند:

"... ما بیچارگان چندین سال تحت تأثیر ظلم و جور طاغوتی و در زیر یوغ استعمار فتودالی و تحمل هرنوع شایع و ناجواز و ارباب و اختناق از جانب کدخدای نام‌الاجتبار ارباب بوده‌ایم. آنچه بعضی مریسانیم اینست که کدخدای رژیم طاغوتی ضداسلامی و ضدانقلابی، از فعالیت و اعمال منفور خود دست برنداشته و هنوز از شغل کتیف خودش استفاده می‌نماید."

دهقانان روستای مذکور، در ادامه نامه به طرح مشکل خود پرداخته‌اند:

"... (کدخدا) تقریباً صد هکتار زمین از زمین‌های مشترک کشاورزان و بیچارگان را کدر زمان مالکیت ارباب، با تراکتور ارباب و به نام ارباب، به تصرف درآورده بود، تحویل نداد و با ما مورین اداره کاملاً بند و بست داشت و به نام خودش نوشت."

زارعین جرات نداشتند جرفی بزنند و هنوز هم خیلی از آنها جرات ندارند... وی همیشه درصدد است، تا زمین‌ها را بفروشد، چون خیلی حساس است و قسمتی از این زمینها را به قیمت ۵۰ هزار تومان با زمینهای فوتبال اراک معامله نموده. تپه‌هایی در اطراف ده داریم که آثار باستانی محسوب می‌شود... تمام را دست رویشان گذاشته."

دهقانان سپس توضیح داده اند که: "... با این حال این شخص بوسیله افرادی که از ایشان اطاعت می‌کنند، بعنوان کاندیدا برای امورتعاون معرفی گردیده است. بعنوان بدست چنین افرادی قرار است سرنوشت مردم بدست چنین افرادی قرار گیرد؟"

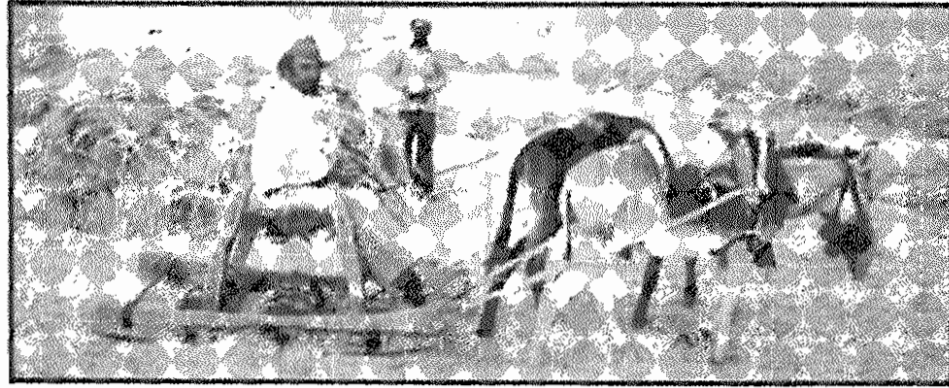
توضیحا اضافه می‌نماید که نامبرده به آنچه عرض شد اکتفا نکرده، شن و ماسه رودخانه که مال کسی نیست و مال بیت المال است را فروخته و با شرکتی بیجان بسته از راست دولت آباد تا بیاید راست مخلص آباد، که خودش حساب می‌شود، هرامش ۲۵ تومان، یک میلیون تومان شن دارد. چرامی خواهد این پولها را به جیب بزند و به مردم تعدی و گارتشکی کند.

این ده احتیاجات فراوانی دارد. راه نداریم، مدرسه نداریم، حمام بهداشتی نداریم، برق و آب لوله‌کشی نداریم، شعبه نفت و درمانگاه نداریم. تقاضای عاجزانه ما اینست، ما را از دست این گرگ آدم خوار نجات دهید."

این شکایت نامه در زیر خود حدود بیست تراکت و امضاء را دارد. * امیدواریم افراد مسئول و مقامات دولتی اقدامات قاطع خود محیط روستائی را یکبار و رای همیشه از وجود ستم و جور پاک کنند. سیدگی به خواست این دهقانان وظیفه رگان‌های دولتی و انقلاب است.

اتحاد تمام اهالی روستا برای اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی ضروری است

روستای گشگاه، در نزدیکی دریاچه مهارلو یراز قرار دارد، که از طریق جاده کفترک به سیراز مل می‌شود. در این روستا ۱۷۰ خانوار خرده لک و ۵۴ نفر خوش نشین زندگی می‌کنند. در نزدیکی این روستا ۱۵۰ هکتار زمین دیبی بود دارد، که تا قبل از انقلاب، به علت اختلاف بن خرده مالکان و خوش نشینان، کشت نمی‌شد. دوازده روزی انقلاب خوش نشینان متحد شدند و ایندهای که سخنگوی آنها باشد، انتخاب ن عمل مهمی بود. عبدالرضا زارع، نماینده تخابی خوش نشینان، با مراجعه به شهر، به کای همبستگی خوش نشینان بی‌زمین، موفق شد



دهقانان جنوب با عقب مانده‌ترین وسایل کشت و برداشت میکنند (بوشهر)

دهقانان خواستار تقسیم زمینها هستند

"گا وگان" در شمال غربی آذربایجان واقع است. جمعیت آن حدود هزار نفر است.

بسی از روحانیان غیر متعهد گا وگان، که اکنون در قید حیات نیستند، حاج شیخ الاسلام بود. یکی از مالکان بزرگ بحساب می‌آمد. در گذشته بیسی از نصف زمینهای مرغوب گا وگان در اختیار او بود و طی دهها سال با یکبارگی رفتن زحمتکشان به غارت و جباول آنها می‌پرداخت. زحمتکشان گا وگان، بویژه آنها نیکه برای اویسکاری می‌کردند، از اعمال زشت و ناپسند وی خاطرهای بدی پیدا کردند. از جمله زمینهای کجا و برای سرش حاجی ممطفی بجای گذاشته، عبارتند از: "قشلاق چمن"، قسمتی از زمینهای "چمن گا وگان"، "ابوانلی باغ" و زمینهای زیاد دیگری.

"قشلاق چمن" سی از انقلاب توسط روستائیان بین خودشان تقسیم کردند و به اکثر روستائیان کم زمین مقداری زمین رسید. اگر چه بخشی از زمینهای چمن گا وگان "که متعلق به ندیمی یکی از مالکین دیگر بود، مشمول تصمیمات شورای انقلاب واقع و تقسیم شده است. ایت ولی زمینهای "حاج شیخ لاسلام" در "چمن گا وگان" هنوز تقسیم نشده است و "ابوانلی باغ" و دیگر زمینها هم دست نخورده باقی مانده است.

"حاج سیف آقا" هم یکی دیگر از روحانی نماهای گا وگان بود. او هم که حدود ۱۵ سال پیش مرده است، یکی از مالکین "قشلاق چمن" بود مردم قشلاق و گا وگان هیچ دل خوشی از این مالکین ندارند. از زمینهای مرغوب دیگر هم داشت که اکنون در دست سرش "حاج میرا بر لفضل" است، که هنوز هم تقسیم نشده‌اند.

مساحت "چمن قشلاق" در حدود ۱۵ - خروار است. هنگامی که هیئت ۷ نفری اصلاحات ارضی شروع کار کرد، با دیدن این واقعات را در نظر داشته با شور و هیجانی بار هیچگونه اعمال نفوذ نرود، دست کلیه بزرگ مالکان بدون استثناء باید کوتاه شود.

رسیدگی به مسئله زمین در این روستا بر اهمیت است. صاحبان وسائل تولید، در هر لباس و نقشی که باشند، کاشنشین اند و بهره‌کش و زورگو و طبیعتاً در کنار کاخ زورور آنها، کوخ نشینها هم وجود خواهند داشت. با دیدن سلب مالکیت از مالکان بزرگ و فتودالها منطبق با روح انقلاب، که انقلا ب مستضعفان علیه مستکبران است، به نیت نیازهای زحمتکشان تپه دست هر چه زودتر با سخی مثبت داد. دهقانان چشم امید به هیئت هفت نفره دوخته‌اند حالا موقع عمل است.

دهقانان تپه دست قیه باشی در انتظار زمین

روستای قیه باشی، در بخش کلیه شهرستان اهر واقع است. در این روستا چهار صد خانوار، که ۲۵۰۰ نفر را در بر میگیرد، زندگی می‌کنند. از این چهار صد خانوار، چهل خانوار فاقد زمین و بقیه عمدتاً کم زمین هستند. در قیه باشی قسمت عمده زمینها در تملک ده نفر زمیندار بزرگ است. سه تن از مالکین زمینهای بی به مساحت سیصد تا چهار صد و پنجاه هکتار

در اختیار دارند. این افراد برای کشت و برداشت گندم و جو و یا تهیه علوفه از مراتع، از روستائیان کم زمین و بی زمین، با دریافت بهره کمرشکن، استفاده می‌کنند. مالکین مذکور طی پانزده سال اخیر با زور، زمینهای دهقانان را بناحق تصاحب کرده‌اند. علاوه بر زمین، آبیاری یکی دیگر از مشکلات اهالی زحمتکش این روستا است. روستای قیه باشی همچنین فاقد امکانات رفاهی و درمانی از قبیل جاده، درمانگاه و غیره است.

در این روستا مدرسه‌ای کلی و در حال لویزش وجود دارد. بدین خاطر و به لحاظ عدم استطاعت مالی اهالی، اکثریت روستا زادگان قدرت برخوردار از تحصیل دارند. اهالی این روستا همچون دیگر زحمتکشان روستاهای کشورمان خواهان اجرای سریع و بلادرنگ قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب هستند.

مسائل دهقانی

ایجاد مراکز خدمات کشاورزی یک تدبیر مؤثر و مهم

یکی از تدابیر نیکو و مفیدی که وزارت کشاورزی اتخاذ کرده، تشکیل مراکز خدمات کشاورزی است.

دهقانان ایرانی هم اکنون - و بخصوص پس از اجرای دقیق و بی‌کیفر قانون اصلاحات ارضی و زمین داری - احتیاج به کمک همه جانبه دارند و خواهند داشت. اگر دهقان زمین داشته باشد، ولی وسیله کار و روکش نداشته باشد و از نظر فنی و مالی - لااقل در حد حیاتی - ترین نیازهایش تامین نگردد، باز مقصود، که عبارتست از احیاء کشاورزی و بالابردن تولید و بهبود وضع زندگی روستائیان حاصل نخواهد شد. از این نظر تصمیم به ایجاد مراکز خدمات کشاورزی تمیمی بجا معقول و کاملاً ضروری است.

این مراکز وظیفه دارند که در درجه اول بذور و کود و تراکتور و کمباین یعنی وسائل ضروری کاسته، دست و برداشت را در اختیار دهقانان بگذارند. بر روی زمینهای کم مال خود دهقان است یا بر روی مالکیت مشاع، که تعاونی تولید در آن ایجاد شده، یک چنین سیستم مساعدت و یاری رساندن به تولید حائز اهمیت درجه اول است.

اگر این مراکز واقعاً عمل کنند و مرکز فعالیت و کار و تولید باشند، میتوان امیدوار بود که تعدادی دیگر از صورت قرض مسکن در راه بردارند و صورت یک وسیله موثروا هرمنیرومند اسبابا اقتصاد کشاورزی شکوفا و وسالسم را بخوبی گیرند.

درواقع هم واگذاری زمینها به دهقانان نهی دست و آلتی کامل بزرگ مالکی تنها هنگامی کامل خواهد شد و ثمرات نیکوی آن مشهود خواهد شد، که دهقان زمین خود، با گروه دهقانان در تعاونی و مالکیت مشاع خود، تمام اثرات کمک فنی دولت را احساس کنند و از این امر که دولت انقلابی دیگر مال خود آنها و در خدمت آنها است، در عمل بهره گیرند.

معملاً برای ایجاد این مراکز - طبق گفته‌های خالیدی معاون وزارت کشاورزی - ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده، که ۱۵۰ میلیون آن خرج شده و ۵۵۰ میلیون دیگر برای یک طرح ضربتی است. واضح است که اهمیت و مقایسه مراکز خدمات کشاورزی میتواند برای احیاء کشاورزی ایران و از دیدار محصولات زراعی و دامی کشور ما داشته باشند، بحدی است و میزان نیازها با اندازه‌های زیاد است، که این مقادیر تنها میتواند برای اولین کارها و طرحهای ضربتی نخستین کافی باشد.

با در نظر گرفتن شرایط مشخص کنونی و امید اینکه اصلاحات ارضی در تمامه ایجا بدخود کاملاً عملی شود و کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین صاحب آب و ملک فردی یا تعاونی شوند، با در نظر گرفتن وضع اسفناک کشاورزی، که رژیم گذشته آنرا به نابودی کشاند، با در نظر

گرفتن اهمیتی که اقتصاد کشاورزی در اعتلای وضع عمومی و تامین استقلال اقتصادی کشور دارد، بحق باید به چنین مراکز خدماتی، که مستقیماً و عملاً در امر تولید موثر واقع شوند مستقیماً و عملاً بخود دهقانان یاری رسانند حد اکثر توجه را چه از نظر اعتباری و مالی و چه از نظر فنی و اداری، مبذول کرد.

برای گام اول، این مقدار اعتبار تخصیص داده شده، ولی شک نیست که گامهای بعدی، هم در جهت چندین برابر کردن آن و هم در جهت مدیریت درست و تجهیز فنی کامل آن لازم است و برداشتن آنها اهمیت حیاتی دارد.

آنچه پیش از همه حائز اهمیت است، از دست ندادن این قطب نمای اساسی است، که همه اینها در خدمت زحمتکشان روستاها - خرده‌ها و میلیونها تولید کننده نیازمند قرار گیرد.

معاون وزیر کشاورزی در مصاحبه خود نکات اساسی مهمی را در این زمینه یادآور شده است، از جمله: انتقال واحد کشاورزی و برنامهریزی به دهات و به مشکلات روستائیان، برنامه ریزی امور تولیدی ده به مثابه یک کار بنیادی ارائه خدمات به دهقانان خرده پاشی که صاحب زمین شده و میشوند.

این برداشتها، اگر در عمل نیز از جابجایی دهقانان احساس شود و در کار و تولید آنها حضور روزمره و دانشی داشته باشد، نسبت به آنچه در زمان طاغوت میشده، تغییر مهمی ایجاد نخواهد کرد، که شایسته دستگاه اداری دوران انقلاب است. آنچه ضروری است پیوند با نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی که تا شیروکارایی خویش را در عمل ثابت کرده‌اند.

اختصاص دادن مبالغ لازم در بودجه - های اقتصاد کشاورزی برای این مراکز خدمات تولیدی است، که با توجه به میزان نیازها و وسعت کشور بارها و بارها بیسی از اینها احتیاج خواهد بود، انجام تحول عمقی در دستگاه اداری وزارت کشاورزی است، بنحوی که آنرا از باری بر دوش دهقانان به خدمتگزار و یاور دهقانان بدل کند.

شالوده اساسی همه اینها، اجرای قانون اصلاحات ارضی است، که بزرگ مالکی را بکلی ریشه کن کند و به هیچ بهانه و دستاویزی ادامه استثمار و زور گوئی بردهقانان زحمتکش را اجازه ندهد. تمام تدابیر فنی و اداری، هر قدر هم عالی و کار ساز باشند و با حسن نیت و علاقه اتخاذ شده باشند، هنگامی مثمر شمر خواهند بود و بحل مشکلات کمک خواهند کرده که از نظر سیاسی و اجتماعی بر روی شالوده‌های درست و سالم بنا نهاده شوند و شالوده سالم در این مورد عبارت است از: الفای بی برو برگرد بزرگ مالکی و همه آثار آن، خدمتی چون و چرا و کامل بزحمتکشان روستائی و احیاء کشاورزی مستقل و سالم.

اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین ضروری است. در این مورد و هنگامی که اختلافهای متکی به سند یا قدیمی موجود است و با زمینها کافی نیست و طرفین همه از زحمتکشان هستند، می‌توان با تولید تعاونی شرایط مناسبی برای کار روی زمین فراهم کرد.

دهقانان باید توجه داشته باشند که رمز پیروزی آنها در گرو این اتحاد است.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دل‌سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر و پا شود و شما اجرایشون

یادداشت سفیران!

چند روز پیش، سفیران کشورهای آفریقا، اروپا، سوئد، سوئیس، فنلاند، استرالیا، اسپانیا، یونان و ولزاند جدید با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ملاقات کردند و ضمن تبریک به ایشان به مناسبت انتخابشان به ریاست مجلس شورای اسلامی، "در اجرای دستورات و تعلیمات دولت‌های متبوع خودشان" یادداشتی نیز به آقای رفسنجانی تسلیم کردند.

ما نمی‌دانیم از نظر موازین دیپلماتیک، اصطلاح "یادداشت" را در این مورد می‌توان بکار برد یا نه، زیرا تاکنون نسنیده‌ایم که دولت‌ها "یادداشت" خودشان را به رئیس قوه مقننه کشوری داده باشند. ولی به نظر می‌رسد که این "نوآوری" نیز بی‌حکمت نبوده است. بهرحال ظواهر امر کمتر از محتوای اقدام سفیران "در اجرای دستورات و تعلیمات دولت‌های متبوعشان" حائز اهمیت است و مانع به همین محتوا می‌پردازیم.

سفیران در "یادداشت" خود، که گردهای از نامه کتبه آمریکا به مجلس شورای اسلامی است، "نگارنی عمیق" خود را از عواقب اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد گروگان گیری جاسوسان امریکائی اعلام می‌کنند و دولت ایران را از نتایج این اقدام که "نه تنها بمنفع ایران نبوده، بلکه به نفع هیچ دولتی نخواهد بود" بر حذر می‌دارند و اشاره‌ای هم به "لزوم حفظ صلح بین‌المللی" می‌نمایند که درحقیقت تهدید غیرمستقیم ایران به جنگ از طرف آمریکا به دلیل "نقض قوانین بین‌المللی" از طرف دولت ایران است.

"یادداشت" چیز تازه‌ای در خود ندارد و سخنانی است که بارها نمایندگان امریالیسم آمریکا گفته‌اند و جواب ما را نیز شنیده‌اند. آنها ما را به "نقض قوانین بین‌المللی" متهم می‌کنند و ما هم آنان را، ما می‌گوئیم دیپلمات‌ها طبق "قوانین بین‌المللی" حق ندارند از بوش دیپلماتیک و مصونیتی که به موجب قراردادهای بین‌المللی به آنها تعلق می‌گیرد، جز درجهت فعالیت‌های دیپلماتیک، و به عبارت دیگر جز در جهت بهبود مناسبات بین کشور مقیم و کشور متبوع خود استفاده کنند. اگر کشوری این روح قراردادهای بین‌المللی را نقض کرد و نمایندگی سیاسی خود را به مرکز توطئه و دسیسه برای براندازی نظام موجود در آن کشور تبدیل نمود، دیگر حق استفاده از مصونیت سیاسی را ندارد. مصونیت سیاسی را به نمایندگان دیپلماتیک کشورهای دیگر نمی‌دهند که بهتر بتوانند بر ضد کشور مقیم دسنتی کنند، بلکه مصونیت سیاسی ابزاری است که تنها می‌توان برای تحکیم روابط مودت بین کشورها از آن استفاده کرد.

ولی امریالیسم آمریکا زیر پوشش همین مصونیت سیاسی صدها کودتای ضدانقلابی در امریکای لاتین تدارک دید، که کودتای فاسیستی شیلی فقط یکی از آنان بود. امریکائی‌ها کودتای ۲۸ مرداد را نیز به وسیله نمایندگان سیاسی خودشان، با همکاری نمایندگان سیاسی بریتانیا در ایران تهیه دیدند. الان سفیران این دولت‌های ظاهرالصلاح آمده‌اند و به ایران هشدار می‌دهند که "نقض قوانین بین‌المللی نه تنها به نفع ایران نبوده بلکه به نفع هیچ دولتی نخواهد بود".

بسیار خوب آقایان خیراندیش! به دولت‌های متبوع خودتان بگوئید به سفیرانشان در ایالات متحده دستوردهند که همینطور دسته‌جمعی به وزارت امور خارجه آمریکا مراجعه کنند و تنها تذکر بدهند که دولت آمریکا با تبدیل سفارتخانه خود به مرکز توطئه و خصومت بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، با دخالت پنهان و آشکار، از تجاوز نظامی گرفته تا جنگ روانی، برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، "قوانین بین‌المللی" را نقض کرده و "صلح جهانی" را به خطر انداخته است.

شما چه تصویری کنید؟ آیا دولت‌های متبوع آنان چنین دستوری را صادر خواهند کرد؟ هرگز! سرشان را ببرید، چنین جسارتی به سردمدار دنیای سرمایه‌داری، که همه خود اجزای کوچک و متوسط آن هستند، نمی‌کنند، اما می‌آیند که ایران را زیر فشار بگذارند، تا مومضش را نسبت به

امریالیسم آمریکا تعدیل کند. آیا آنان واقعا برای "حفظ صلح جهانی" به تلاش افتاده‌اند، و یا بیوندهای ناگسستی اقتصادی، سیاسی، نظامی آنان با امریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری جهانی، آنان را به ایفای نقش "دلال مظلمه" برانگیخته است؟

ظاهر قضیه آنست که گروهی از کشورهای کوچک و متوسط، که برخی از آنان "بیطرف" هم هستند، آمده‌اند که برای رضای خدایین ایران و آمریکا پادرمیانی کنند و از تسنج بین دو کشور جلوگیری نمایند. ولی اولاً اکثر این کشورها جزء اتحادیه‌های سیاسی و نظامی امریالیستی هستند، که در تمام آنها نقش درجه اول را امریالیسم آمریکا بازی می‌کند؛ نروژ، استرالیا، زلاند جدید، یونان هم‌اکنون اعضای این اتحادیه‌ها هستند. اسپانیا هم تمام تلاش خود را برای ورود به "ناو" بکار می‌بندد.

ثانیاً سایر این کشورها نیز فقط در ظاهر بیطرف‌اند. سوئیس یکی از مراکز مهم سرمایه مالی جهانی است. در سوئد و آتریش هم شرکت‌های چند ملیتی و انحصارات بزرگ بین‌المللی زمام امور اقتصادی و سیاسی را در دست دارند. این واقعیت را باید دانست و تاکید کرد که سیستم سرمایه داری جهانی امروز سیستم واحدی است.

البته گاهی در بین انحصارات بزرگ امریالیستی که زمام امور کشورهای سرمایه‌داری را در دست دارند، بر سر غارت بیشتر خلقها، اختلافاتی پدید می‌آید. اما تمام این کشورها، در دفاع از سیستم سرمایه‌داری، به منزله یک نظام اقتصادی-اجتماعی همدست و هم‌پیمانند و به همین دلیل هم در برابر انقلاب ایران، که ضریب شدیدی بر مواضع امریالیسم وارد ساخته است جبهه مشترکی تشکیل داده‌اند و هر یک در این جبهه نقشی به عهده گرفته‌اند. به همین دلیل، تردیدی نداریم که این اقدام سفیران کشورهای کوچک و متوسط سرمایه‌داری نیز با راهنمایی دولت‌های بزرگ امریالیستی و قبل از همه خود آمریکا انجام گرفته است.

این اشتباه محض است که کسی تصور کند مثلا نروژ، چون یک کشور کوچک سرمایه‌داری است، نمی‌تواند و نمی‌خواهد به منافع کشورها تجاوز کند. تجاوز به منافع کشورهای دیگر آزماهییت روابط سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد، نه از کوچکی و بزرگی کشورها. کشورهای نظیر اسپانیا، پرتغال و هلند، که اکنون خود را کشورهای کوچک و متوسط می‌نامند، تا همین اواخر صاحب امپراتوری‌های مستعمراتی وسیعی بودند، که دهها بار وسیعتر از سرزمین خود آنها بود. امروز هم اگر جهان به همان محور سابق می‌گشت و مستعمرات نمیتوانستند به بستنیانی کشورهای سوسیالیستی، استقلال خود را بدست بیاورند، پرتغال در آنگولا، موزامبیک و سایر مستعمراتش خون انسانها را در شیشه می‌گردد. هلند، این کشور باصطلاح کوچک، صاحب یکی از بزرگترین انحصارات نفتی است که سالیان دراز در استثمار بیرحمانه مردم ما، دوش بدوش انحصارات امریکائی و انگلیسی شرکت داشته است.

آری، کشورهای سرمایه‌داری، هنگامی که بای منافع آن بمنزله یک سیستم در میان باشد، از کوچک و بزرگ با هم همکاری می‌کنند. "یادداشت" آقایان سفرا بدرئیس مجلس شورای اسلامی ایران نشانه‌ای از همین همکاری است و جواب دندان‌سکن حجت‌الاسلام رفسنجانی به آنها نیز، که "سفارت آمریکا یک جاسوخانه بود... و ما رد پای دیپلمات‌های امریکایی را در ترور گروه فرقان پیدا کردیم"، جواب به "پادر-میانی" بیجای آنها.

سفیران کشورهای نامبرده، اگر حسن نیتی دارند و دلسان بخاطر "حفظ صلح" می‌تپد، از دولت‌های خود بخواهند که از آمریکا، این جانور خونخوار، مثلا بپرسد: اینهمه ناوجنگی را برای چه در برابر آبهای متمرکز کرده است؟ آیا زورگوئی به یک کشور عضو سازمان ملل متحد، طبق اساسنامه آن سازمان، نقض حقوق بین‌المللی نیست؟

آقایان سفرا! آدرس را عوضی گرفته‌اید!

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امریالیستی باید لغو شود

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال:

انتخابات پاییز دوراهی است سر نوشت ساز

بورتو" درباره اوضاع پرتغال بعمل آورد و آنرا مبداء تعیین استراتژی و تاکتیک خود برای رویارویی با مسائل بنیادی آن کشور قرارداد.

بموجب این تحلیل، با گسترش جنبش توده‌ای زحمتکشان، از یکسو هرچه بیشتر به توان نیروهای دمکراتیک افزوده می‌شود، و از سوی دیگر نیروهای ارتجاع تضعیف و به عقب‌نشینی مجبور می‌گردند. برای نمونه، بیش از تعطیلات تابستانی، ائتلاف راستگرایان دربارلمان، که تنها از اکثریتی بسیار ناچیز برخوردارند، با خطر جدی فروپاشی روبرو شد. حتی یکی از سخنگویان محافل راستگرا مجبور گشت، اعتراف کند، که کوشان برای تغییر برخی قوانین دمکراتیک، با دشواریهای فراوان مواجه بوده است. شکی نیست، که یکی از این کوششهای ناکام، تلاش عبث برای تغییر قانون انتخابات، بسودنیروهای راستگرا، بوده است.

حزب کمونیست پرتغال در عین حال هشدار می‌دهد که ارتجاع کماکان سنگرهای کلیدی رادر دستگاه دولت، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها در تصرف دارد و بویژه به منابع عظیم مالی اشاره می‌کند، که بدون تردید، در جریان تبلیغات انتخاباتی در اختیار آن قرارداد خواهد شد. همین چند هفته پیش، اسقف‌های کاتولیک پرتغال (یعنی روحانی‌نمایان عالی‌قام طرفدار مستکبران) با انتشار فتوایی علیه "مارکسیست‌ها و آزادیخواهان" به یاری نیروهای ارتجاع ستافتند.

از سوی دیگر، نیروهای مخالف رژیم همچنان در تفرقه بسر می‌برند. رهبری "حزب سوسیالیست" که با دو گروهک دیگر در "جبهه انتخاباتی جمهوریخواهان و سوسیالیست‌ها" ائتلاف کرده است، نه تنها همچنان راه ضد کمونیستی خود را می‌پیماید، بلکه حتی از قبول هرگونه پیشنهاد همکاری از سوی حزب کمونیست پرتغال خودداری می‌ورزد.

با اینهمه، حزب کمونیست پرتغال، در برنامه انتخاباتی خود باردیگر مسئولیت شناسی اصلی خود رادر برابر زحمتکشان آن کشور به ثبوت می‌رساند و نیروهای دمکراتیک رافرا می‌خواند که با اتحاد عمل خود، دسیسه‌های ارتجاع راعقیم سازند و با پاسداری از دستاوردهای انقلاب در راه تعمیق و تسریع روند انقلاب کام بردارند.

چندی پیش کمونیست‌های پرتغال برنامه خود را برای انتخابات پارلمانی آن کشور، که در اوایل پاییز سال جاری برگزار خواهد شد، منتشر ساختند. بیست و چهار ساعت پس از انتشار این برنامه و با گشایش جشن روزنامه "آوانته"، ارگان مرکزی حزب کمونیست پرتغال، بحث وسیعی درباره برنامه نامبرده در میان ۱۸۷ هزار عضو متشکل "حزب" و صدها هزار نفر از هواداران آن آغاز گشت.

برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال خاطر نشان می‌سازد، که انتخابات پاییز امسال به منزله دوراهی سرنوشت سازی است، که یک راه آن ادامه راه انقلاب فاشیسم برانداز ۱۲۵۳ خواهد بود و راه دیگر احتمالا به گذشته فاشیستی منتهی خواهد شد. حزب کمونیست پرتغال، که مهم‌ترین نیروی گروه ائتلافی "بووو اوئیدو" (خلق متحد) مرکب از احزاب و گروههای مترقی و چپ آن کشور را تشکیل می‌دهد، هدف انتخاباتی نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه پرتغال را کوشش بی‌گیر برای پاسداری از مواد دمکراتیک قانون اساسی در برابر حملات ارتجاع، تعریف کرده است.

یکی از مهم‌ترین وظایفی که برنامه انتخاباتی حزب کمونیست پرتغال در برابر مردم آن کشور می‌نهد عبارتست از دفاع از حقوق و آزادیهای دمکراتیک و دستاوردهای درخشان انقلاب، بویژه ملی کردن صنایع و اصلاحات ارضی، که علیرغم دستبردهای بیایی ارتجاع، سرشت اصیل آنها تاکنون حفظ شده است، و مبارزه در راه بهبود شرایط زندگی و کار زحمتکشان پرتغال. حزب کمونیست پرتغال تاکید می‌کند، که کوشش در راه تحکیم صلح و امنیت، همبستگی بین‌المللی و همکاری، بویژه با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال یافته، باید مهم‌ترین عناصر سیاست خارجی برآستی ملی و استقلال طلبانه پرتغال را تشکیل دهند. حزب کمونیست، در این گستره، مخالفت شدید خود را با پیروی از هذف‌های تجاوزکارانه "ناو" و استقرار سیستم‌های موشکی جدید در اروپا اعلام می‌دارد.

برنامه انتخاباتی نامبرده بر پایه تحلیلی استوار است، که حزب چند هفته پیش در "کنفرانس

باز کردن اخبار دروغ و تحریک آمیز منابع امریالیستی درباره رویدادهای افغانستان تا کی ادامه خواهد داشت؟

در سرفشهای مسلح، قاچاق مواد مخدر و اسلحه، ارتباط آنان با عمل امریالیسم آمریکا و دواثر جاسوسی آن افشاء گردیده و در مطبوعات و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز بازنایتب یافته و از جانب مقامات و شخصیت‌های مسئول مورد تأیید قرار گرفته است، چرا بازم به استناد گزارشها و اطلاعاتی این دفاتر و جمعیتها درباره رویدادهای افغانستان اخبار و گزارشهای کاملا دروغ و تحریک آمیز منتشر می‌شود؟

هدف این کارزار تبلیغاتی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان چیست و به نفع چه کسانی است؟

توصیه‌های کارت-برزینسکی را به یاد بیاوریم که تیره‌شدن روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایگانش را از عوامل تضعیف مواضع بین‌المللی انقلاب ایران و زمینه مساعد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در این صورت استفاده از منابع خبری دول امریالیستی در تبلیغات علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، صرفنظر از انگیزه جنین تبلیغاتی، عملا در سمت تحقق همان توصیه‌های کارت-برزینسکی قرار می‌گیرد.

انتشار گزارشها و اخبار منابع امریالیستی درباره رویدادهای افغانستان، تنها می‌تواند به تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان کمک کند و به نفع آن محافلی باشد که با انقلاب ایران و انقلاب افغانستان خصومت می‌روزند و علیه رژیمهای انقلابی در هر دو کشور همسایه نطقه می‌چینند.

در عین حال انتشار اینگونه اخبار، ناسران آنرا در نزد خوانندگان بی‌اعتبار می‌سازد، زیرا واقعیات رویدادهای افغانستان و رژیم دمکراتیک در آن کشور، که روز به روز با ثبات‌تر و از پستی‌بانی اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان برخوردار می‌شود، و بر مشکلات و دشواریهایی که از جانب نیروهای ضدانقلاب ایجاد گردیده، فائق می‌آید، این تبلیغات دروغ و مفروضانه را رسوا می‌سازد.

در بسیاری از روزنامه‌ها و همچنین در برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، اخبار و گزارش‌هایی از قول خبرگزاری‌ها و دیگر منابع امریالیستی درباره رویدادهای افغانستان همچنان انتشار می‌یابد.

این اخبار و گزارشها در دستگاه همان خبر-نگاران و گزارشگران و خبرگزاری‌های امریالیستی ساخته و پرداخته می‌شود، که اخبار و گزارشهای تحریک آمیز و دروغ درباره انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهیه می‌کنند و از طریق مطبوعات کشورهای غربی، رادیو بی‌بی‌سی، صدا، آمریکا، رادیو بغداد-وطی ماههای اخیر- فرستنده‌های اویسی و بختیار از هدف تحریک و توطئه و ایجاد عدم اعتماد و بدبینی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بخش می‌شوند.

در صورتی که اخبار گزارشهای این منابع غربی خدمتگذار امریالیسم آمریکا درباره انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رویدادهای کشور ما سرتاپا دروغ، ساختگی و تحریک‌آمیزند و باهدف معین تضعیف مواضع انقلاب و ایجاد تفرقه و ناامنی و بدگمانی، نسبت به انقلاب و رهبری آن تهیه می‌شوند و انتشار می‌یابند، چگونه است که اخبار ساختگی و تحریک آمیز همین منابع درباره رویدادهای افغانستان، برای مطبوعات و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موثق و قابل استنادند؟

باین که ماهیت دفاتر و جمعیت‌های به اصطلاح اسلامی افغانی، فعالیت‌های مخرب و شرکت اعضاء و وابستگان به این جمعیت‌ها

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترکان است

سوم دشمنان و مخالفان حزب توده ایران در میان چپ نماها و چپ گراها

ناگاه طبعی این گروهها به طور عمده افسار سیاسی، و در درجه اول فسرهای مرفه‌خیز بورژوازی است. البته از یکسو نحی ارتفع، کارگر و رجمکسان سپهرم برای مدت کوتاه و محدود می‌شوند کول سارهای فرسوده و ظاهر آراسته این گروهها را بخورد. ارسوی دیگر این گروهها رمنه سنان مناسی برای نمود و عمل عناصر وابسته به ضدانقلاب هستند. این عناصر ناظاهر به "حب" خود را "انقلابی" می‌نمایند و نام تلاشگران درجهت محروم ساختن این گروههای ناآگاه به سمت‌گیری‌های ضدانقلابی است.

گروههای حبسا و حبکرا، به سانس واسکی‌سان به لانه‌های کوناگون افسار سیاسی، دارای موضع‌گیری‌های سیاسی کوناگون و ناهمگون هستند. در ایران ودرهمه کشورهای نظیر ایران، در شرایط معین، از اس فصل گروهها و گروهکها به تعداد زیاد ماسد تارخ از زمین می‌روند.

آن بخش از این گروهها که ناسنده، مانع لانه‌های بالایی افسار سیاسی هستند و اکثر، مانند واسنگان "سازمان مبارک"، "احادیه" کویست‌ها، "روسکیست‌ها" و "جبهه" دموکراتیک ملی "با ماسک خلی حبس‌مانند، ربربرجم دفاع از "مارکسیسم-لنینیسم-انقلابی" عمل می‌کنند، دشمنان درمواضع بورژوازی لمرال، یعنی درمواضع سانس و همکاری با امپریالیسم و ضدانقلاب فرادارند، و به همین جهت هم موضع‌گیرسان نسبت به حزب توده ایران، در سلسله معذبانه کارگری، ضد امپریالیسمی و خلی این حزب، عسا همان موضع‌گیری ضدانقلاب و ساواک و آریامپز و لمرال‌هاست، منبته به آن ریک "سرح" رده شده است.

کافی است یک بار بوسه‌های سرباز ساواک، "ساهد" مظفریانی، "بهران مصور"، "امید ایران" و بوسه‌های سرباز گروهکهای حبس‌مانی "سنگار"، "رزمندگان"، "طوفان" و نظائر آنها را دربار، حزب توده ایران بنویسید هم بگذارید و بررسی کنید، با به ساهت خیره کننده" ایجابات و دروغ‌پردازی‌های این سرباز علیه حزب توده ایران می‌سرم. بررسی این بوسه‌ها سانس می‌دهد که، همه" ایها از یک "رودخانه" واحد بیرون آمده‌اند.

ریشه طبعی این موضع‌گیری‌های دشمنانه نسبت به حزب طعه، کارگر، نسبت به حبس اصل انقلابی در ایران و جهان، همان دشمنی رسنه‌دار طبعی افسار بالا و مرفه‌خیز بورژوازی است، که با کینه و نفرت نسبت به بولشاریا نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند برای خود راهی برای "اربعان" به طعه، "الانار" و عالی‌تر یعنی سرمایه‌داری بارکنند.

این سر برجه‌های بوک، که بیژوسان سرح و درونسان سفند بوسنده است، در دوره‌های کوناگون تاریخ، به تناسب شرایط تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی، حاضرند به هر "انسی" که با سوسالیسم علمی و رانسین درست‌تر باشد، می‌بندند. ناهداترین ناسنده" تاریخی این نبدیده، "مانوتسودون" خودس بهتر از هرکس محوای جهان بینی خویش را، که مخلوطی از آمارسیسم، روسکیسم، ناسیونالیسم و "مارکسیسم" بود، تعریف کرده است.

در انقلاب ما، بخشی از این برجه‌های بوک، به اقتضای شرایط، رنگ سرح طاهری را با رنگ سر مذهبی بوسنده و باریس و تسبیح خود را درصوق مبارزان ضدامپریالیسم و خلی جاردانند. ولی اگر کمی بوسد آنها را خراس دهند، اندازنگ سرخ ترجهه وبعدا کوبت سفند بوسنده آن پیدا خواهند شد. سوسالیسم این‌ها، سوسال امپریالیسم سوسال دموکرات‌های اروپای غربی، و اسلام آنها، اسلام ضاه‌الحق وسادات است. بنخود نیست که کمنه" آمال این گروهکها امپریالیست‌های اروپای غربی و راس است.

و اما چپ‌گراها- حبکرایان آن گروهها و افرادی هستند که صادانه دارای مایلات ضد-امپریالیسمی و خلی هستند، ولی به علت وابستگی طبقاتی خود به لانه‌های مانه‌حال حرد-بورژوازی و به طور کلی سراهی بناسینی، و همین‌کمی تجربه سیاسی وضعف دانش‌اجتماعی، درجریان مبارزه دچار انحرافات کم و بیش جدی می‌گردند. در این گروهها جهت عمده ماهیت خلی و ضدامپریالیسمی است، و انحرافات حبکرایانه‌سان، اگر می‌تواند درلحظات و حتی دوره‌های مشخص، بقس مخرب و ضدانقلابی اثنا کند، جبهه" اصلی و تعیین کننده" ماهیت آنها نیست.

البته در این بدیده عوامل کوناگون دهی، از قبیل خودبرگشتی، حس هم‌حسی، نداشتن رسادت و چسارت انقلابی برای بدیبرس اشناهاب، که همه ناشی از ضعف خصوصیات و دانش و تجربه" انقلابی است، سر مویر است.

دشمنی و مخالف این گروههای حبکرا با حزب توده ایران و جنبش اصیل‌کمونیستی در جهان، دربخش قابل توجهی می‌تواند گذرا باشد و باستگیترندس انبان تجربه" انقلابی و با گسترش شناخت اجتماعی و علمی، به بدرج به همکاری و یگانگی ببانجامد. البته این حکم را نباید به طور مطلق درک کرد، که گویا همه" حبکرایان، درجریان مبارزه، خودبه‌خود به راه راست خواهند رسید. برعکس، گرایش نحس اصیل و مردمی و انقلابی حبکرایان به راه راست، طی یک سرح طولانی درداخل و خارج این گروهها انجام می‌گردد، سردی که درجریان آن، چندین تجربه و ازهم گسیختگی رخ خواهد داد.

نمونه" بارز این بدیده را درمورد سارمان حبکرای فدایی خلق ایران می‌بسیم. گذار از مواضع نیمه آمارسنسی و نیمه مانوتسودونی احمدزاده و بویان به مواضع کمونی اکثریت سازمان، روند تاریخی بر رنجی است که هنوز به پایان نرسیده است. اس سازمان در روند پرررح و دسوار تصحیح اشناهاب، تاکنون سه اسباب را ازسرگذرانده است. در این جریان گروههای اشرف دهقان، "راه‌کارگر" و "القلب" درنیمه راه باقی مانده و حتی درسر قهرانی کام نیچاده‌اند.

چهارم دشمنان و مخالفین حزب توده ایران در میان مبارزان مذهبی

مبارزان مذهبی واحدهمگونی را تشکیل می‌دهند، به از لحاظ منشا، و موضع‌گیری‌های طبقاتی و نه از لحاظ سیوه، تلقیق، و با بهتر بگوییم، بنیاده کردن اصول اسلام درزندگی اجتماعی.

درست است که، درمجموع خود، مبارزان مذهبی درطیف دموکراسی انقلابی ایران قرار گرفته‌اند، ولی طیفی که نامه" اجتماعی مبارزان مذهبی را سکل می‌دهد، از یکسو رجمکسان و از سوی دیگر نحی‌هایی از خردمبورژوازی مرفه و سرمایه‌داری کوچک را دربرمی‌گیرد. وجود عناصری از سرمایه‌داری متوسط و احتمالاً سرمایه‌داری بزرگ در این اردوگاه، بدیده" اسنسانی است.

همین طیف وسع و ناهمگون وسوع، موجب آن شده است که گروههای سیاسی متعددی، که درعضی موارد سمر ویرگی‌های آن را یکدیگر دسوار است، بوجود آید. به همین جهت تفاوت‌های جدی در عملکرد مبارزان مسلمان درمندان‌های کوناگون فعالیت سیاسی واجتماعی بدیده می‌شود. البته به این ناهمگویی، این بدیده هم اضافه می‌شود که، هم ضدانقلاب و هم لمرال‌ها بوساننده عناصر خود را دربندهای انقلابی جا دهنده و بوسله آنها، ربربرجم مبارزان مذهبی، سانس خود را عملی سارند. اس بدیده که درحالی ناسان انقلاب از بزرگ مالکان و متوال‌ها و سرمایه‌داران سانسانی و درحالی دیگر مسضعان هواداری می‌کند، محصول همه این ناهمگویی‌های درونی اردوگاه مبارزان مذهبی است.

دشمنی و مخالف و مبارزه با حزب توده ایران ازطرف مبارزان مذهبی هم، برمسای همین ناهمگویی، به سران زیادی متفاوت است. اردشگی سسره حونه سسرون، به صورت کولگری ارتعابت حرب، عارت و حناول راکر و آس ردن سرباز حرب و درصورت لرمو صرب و نل بوسه‌های آغار می‌شود، با مبارزه، اندنولورک آس‌ی‌باندیر، درحاجت بندرس آزادی فعالیت سیاسی درمحدوده" فواس حمیویری اسلامی و آزادی اظهاربطر، دفاع و تبلیغ بطرباب، حتی با اسفاده از امکانات دولتی، مانند رادو و تلویزیون، آن طور که

ام‌حمیویری بارها و بارها رهمود داده‌اند.

درکمار اس و اصحاب، ما دریک سال و سرح گذشته شاهد اس واقعست نر حشیم که، هر روز عنصرنازهای درازدوگاه مبارزان مذهبی درحال رشد است. هر روز تعدادبیشتری از مبارزان مسلمان به درستی راه مبارزات سیاسی حزب توده ایران، که سمت‌گیری عمده‌اش اتحاد جبهه" سبخدخلق ارهمه" نیروهای راستین ضدامپریالیسم و خلی، یعنی هواداران راستین خط امام‌خمینی و هواداران راستین سوسالیسم علمی است، پی‌می‌برند و برای بدیبرس نوعی جنگاری علمی روی خوش نشان می‌دهند. به نظرم به این بدیده بسیار نشینی است که دارای ارزش تاریخی است و می‌تواند برای کیشتری آینده" انقلاب ایران نقش بسیار با اهمیتی داشته باشد.

پیدایش این بدیده و رشد آن موجب گردیده است که گروههای نشینی، که برایشان مسایل حیاتی سیاسی مبارزه تاریخی مردم ایران علیه امپریالیسم به کلی دردرجه دوم قرار گرفته است، آتش دشمنی لجام کیشخته علیه حزب توده ایران را برانورزد و با تمام امکانات خود، با سوسل سوسده‌های ناسب‌ن‌ماند، عملا آپ به آسباب ضدانقلاب بریزند.

حزب توده ایران با تجربه‌تر از آنست که، براتر این گونه اقدامات، کنترل اصحاب

خود را اردسب دهد و آنرا به حساب همه مبارزان مذهبی بگذارد. ما به درستی می‌دانیم که سسرون مذهبی، برابر سکی حارجوب دیداجتماعی و سیاسان، خیلی زود، ناخواسته، در دام‌های موروانه‌ای می‌افتد که ضدانقلاب برسر راه آنان می‌گردد. ناسف آور، ولی واقفیت است که این گروه‌های سسری، درمن علاقه به حکم حمیویری اسلامی، با اقدامات خود در سراط فوق‌العاده حساس و بحرانی کمونی، نسبه بررسه" آن می‌زنند. ما امیدواریم که هرچه رودر گرایش‌های آگاه و واقع بین درازدوگاه مبارزان مذهبی برای بدیده‌های ناسالم حصره شود.

۳- شیوه‌های دشمنی با حزب توده ایران

با اینکه طیف گروهها و افرادی که با حزب توده ایران دشمنی می‌کنند، از لحاظ منشا، اجتماعی، واسکی‌طبعی و انگیزه سیاسی ناهمگون، رنگارنگ و متفاوت است، سوهایی که آنها در اعمال دشمنی خود با حزب ما به کار می‌برند، یکسان است. این سیهوها درست همان سیهوهائی است که طی سلسله تاریخ سرح، همسه نیروهای ارتجاعی علیه نیروهای مترقی به‌کار سندانند: بجهت، افسار، دروغ، حمله، تجاوز و تروپ همه این‌ها حربه‌هایی است که در دوران ساه قرون وسطی، فدرب‌های طاغوسی و ساهان، دست در دست سسرون مذهبی، علیه بزرگ بریس سسکرس و داسمندان و آزاد اندیشان زبان خود روا می‌داسند. در دوران حاکمیت سرمایه‌داری و فاسم همس سیهوها علیه همه سسرونهای مترقی نگار بسنه می‌سد.

هم اکنون ما شاهد آن همس که امپریالیسم و "مفیان" دست‌نسانده‌ای، ارتجاع آرمایه‌ری و دستگاه بختیار و اویسی، در تبلیغات رادوسوی و ورق‌پاره‌های خود، امام‌خمینی را به سسری از کویسیسم سسیم می‌سارند.

اس تبلیغات دشمنانه ویره کورمانیسم، اکنون بیس از ۶۲ سال است که امپریالیسم جهانی، در سراسر جهان، علیه سوسالیسم علمی سروزمند، علیه کور سوسالیستی سسوری و سایر کردان‌های حبس کویسیسی جهانی، نرد تبلیغاتی گسترده‌ای را ترتیب داده است و هر روز برسد آن می‌افزاید.

ارگان‌های سسرومند سلطانی امپریالیسم، روزنامه‌های ۱۰ میلیون سخه‌ای، هزارها ایسگاه رادو و تلویزیون، سبانه روز این دروغ‌ها و سمیت‌ها و افتراها را علیه جنبش جهانی کمونیسی، حبس‌های اصیل رهانی‌بخش ضدامپریالیستی و جنبش‌های اصیل کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رسد یافته نحس می‌کنند و افکار عمومی مردم ناآگاه و کم‌گام جهان را علیه این جبهه" عظیم سسروهای ضدامپریالیستی مسموم می‌سازند.

در ایران هم همین بدیده رامی‌بینیم. اگر به تاریخ مراجعه کنیم، خواهیم دید که در تمام دوران ۶۰ ساله بدایش جنبش کمونیستی در ایران، شهاست خیره کننده‌ای در تبلیغات زهرآگین دشمنان رنگارنگ این جنبش وجود دارد.

ادعانه‌ها، بسس رضاخان علیه ۵۳ نفر، نوشته‌های روزنامه‌های درباری وابسته به آمریکا و انگلیس و سیدضیاء در سال‌های ۲۰ تا ۲۷، نوشته‌های روزنامه‌های وابسته به گروه آمریکایی مظفریانی و گروه انگلیسی خلیل ملکی در دوران مبارزات نفت، تمام انتشارات ساواک و روزنامه‌های ساواک زده دوران طاغوت علیه حزب توده ایران، همه نوشته‌های روزنامه‌های ناصطلاح جبهه" ملی، یعنی جبهه" سازسگران و تسلیم طلمان با امپریالیسم، با سوس استفاده ازنام برانفخار دکترومدقق، همه انتشارات تهران مصورها، آیدنگان‌ها و امیدایران‌ها و نشونیات گروه‌های جنبش و اقراطیون راست مذهبی، تبلیغات رادیوهای ضدانقلابی بختیار و اویسی و رادو بلویزیون ایران، که تا همین دوهفته بیس هموز ساواکی‌ها در حساس‌ترین مقامات آن سگر گرفته بودند، همه" تبلیغات امپریالیسم، قطب‌زاده‌ها، چمران‌ها و یزیدی‌ها و همه" س‌پاسی های بحریک آمیز وعاظ قسری، که در ساجد مردم را علیه حزب توده ایران تحریک می‌کنند، حتی یک واو یا بکدیگر اختلاف ندارند.

در سال‌های ۲۰ تا ۲۷، گروه‌های ضدانقلابی وابسته به سیدضیاء، سوما، نان ایرانیست‌های وابسته به یزیدگرو، به کلوب‌های حزب توده ایران حمله می‌کردند، آن‌ها را غارت می‌کردند، به آتش می‌کشدند و کتاب سوزان راه می‌انداختند. و حالا، در جمهوری اسلامی نیز ساواکی‌ها، ربربرجم "حزب الله"، همس اقدامات را انجام می‌دهند، وقشرونی مانند هادی غفاری و نخرالدین حجازی بر این اقدامات صحه می‌گذارند، و حتی آقای هادی غفاری، در گفتار خود در مسجدالهدای در خیابان ده‌آوند، در روز ۲ مرداد ۵۹، با فخر اظهار می‌دارد که، بلندگو و دستگاه صوتی مقابل او از "شائمی" است که از دفتر مرکزی حزب توده ایران به غارت گرفته شده است!

قطب‌زاده ادعا می‌کند که نامه" مردم" در "سفارت سسوری" جاب می‌شود! (کیهان، ۲۰ مرداد ۱۳۵۹).

نخرالدین حجازی ادعا می‌کند که حزب توده ایران روزانه ۸۰ هزار تومان برای جاب نامه" مردم" خرج می‌کند، و اس ۸۰ هزار تومان از ۳۰۰ هزار تومانی برداشت می‌شود که روزانه به حساب حزب توده ایران در بانک تهران وریز می‌شود!

هادی غفاری ادعا می‌کند که حزب توده ایران ۱۳ میلیون تومان برای خرید محل دفتر مرکزی حزب پرداخته است!

روشن است که همه" این ادعاه‌ها، مانند ده‌ها و صدها تهمت و افترا دیگر، دروغ مطلق است.

این آقاها، که خود را مسلمان هم می‌دانند، باکی ندارند که بدون بروا دروغ بگویند، و وقتی هم می‌بندند که دروغ‌هایشان ابری نمی‌کند، اوپاش را تحریک می‌کنند که به مراکز حزب حمله کنند، غارت کنند و آتش بیافروزند.

چالب بوجه است که در ترکیب حمله کنندگان به دبیرخانه" کمیته" مرکزی حزب و دفترنامه" مردم" که ربرفرماندهی آقای هادی غفاری عملی سد، سه گروه مشخص وجود داشتند: اول گروهی از مبارزان مسلمان افراطی، که با اعتقاد به این‌که خدمت به تحکیم مبانی جمهوری اسلامی می‌کنند، به این "ابنکار" دست زدند و آن را به نام خود عملی ساسند.

آقای هادی غفاری را هم باید جز" این گروه به حساب گذاشت و با دقق تر بگوییم، مادللی نداریم که ایسان را از این گروه ندانیم. این‌ها ناآگاهانه کاری انجام داده‌اند، که مسلما ضد اطلاع را ساد کرده و مهم‌ترین سهره برداری را از آن سسوده است.

دوم گروه حبس‌ناهای "رنجیران" که عمال مستقیم سفارت چین، و از آن راه، عمال عرسسقم سید در ایران هستند، این‌ها که به عنوان ستون سرح درهمه" گروه‌های ملی‌های مسلمانان افراطی سرتک می‌کنند، خود گروه‌های زیرنام "حزب الهی" بوجود آورده‌اند.

سوم ساواکی‌های وابسته به سازمان‌های مخفی ضدانقلاب، اطلاع دقیق و بی‌خده در دست است که ضدانقلاب گروه‌های ضرسبی به نام گروه‌های "حزب الهی" ترتیب داده است، که به وسیله آنها نقشه‌های خود را در ایجاد آسوب و اغسانس، و در آیدنه بروز افراد وابسته به گروه‌های حب انجام خواهد داد. ضدانقلاب با اس سوس می‌بواند به هر جایی سسرد برسد، و بر اس سرح، به طور طبیعی از هواداری و سسبانی ساساران و کسبه‌ها که آزادی را در میان آنها سرحا کرده است (برخوردار خواهد سد. به این سربس ضدانقلاب با تک سرح دوسان می‌رسد:

اول آن‌یکه، به هدف خود درطرح کردن مخالفت سرحف باطل می‌شود.

دوم آن‌یکه، این اقدامات حناسکارانه را به حساب سسروهای افراطی مسلمان، که خود برای اس‌گوه اقدامات افراطی به‌طور عادی سائل دارند، می‌گذارد، و از اس راه دشمنی و کسه میان سسروهای حب و سسروهای مسلمان را داس می‌رسد.

دسمن درمن حال می‌کوسد که سسروهای حب را به عکس العمل‌های عرسعاطلانه بحریک کند و اگر در اس کار موقع سد، در نظر دارد که ما گروه‌های خود، ربربرجم طرفداری از سارمان‌های حب، با مسلمانان مبارز و با ساسد حمله کند و آس حبک و سسرا را در اردوی سسروهای راستین ضدامپریالیسمی و خلی سسلور سارد.

همه" اس بحریک ضدانقلاب حرنی از برنانه" حطرباک و گسترده‌ای است که دویار تاکنون، در حریان تجاوز آمریکا به طیس و در جریان کودتای آمریکایی - اسرائیلی - آرمایه‌ری ۱۸ تیر کوشه‌هایی از آن برملا کردید (ولی سسربک آن هنوز ریرلحاف است.)

این‌ها توطئه‌هایی هستند که ضدانقلاب، با رهبری سسقیم سیا در ایران، نندارک می‌بینند و هدفش از یادآوری جنبش کمونیستی اسلامی و درهم شکستن انقلاب شکوهمند سسین ماست.

ما به اندازه کافی در این زمینه هشدار داده‌ایم و با دلایل و اسناد ابعاد خطرناک این توطئه را روشن ساخته‌ایم.

ما امیدواریم که با آموختن از این تجربه‌های دردناک، نیروهای راستین انقلابی درهمه" اردوگاه‌ها، به اهیت اتحاد برای عقیم ساختن توطئه‌های دشمن پی‌برند و از افتادن در دام‌های خطرناک ضدانقلاب، که یکی از آنها دشمنی لجام کیشخته با حزب توده ایران است، پرهیزند.

ایزهم از ما گفتی، بگذار تاریخ آیدنه فضاوت کند

کم وابسته به امپریالیسم، سعی حسنی‌های هم‌ررس دسراسر ل بردن و سکحه و اعدام و ناخواسته خواهد و می‌داند که اس حبس‌ار رسد. مدافع حقوق اس خلق‌ها است. در سرح به‌حاضر حنوی رجمکسان

و در درون کور ساه‌سرس اصناز رگ‌مالکان و سناه سسکی مردوزان ه و اوباس و هروش سسوان و سس بودهای کورک بی‌امان همه" دای، با سسکری و آگاه‌های نام، سد که در سراسر جهان حسنی‌های راستین انقلابی و سسوره سسرو- و اسنمار کداسانند، سسودی‌که به‌ای به دست می‌آورد.

ررسیکی کرسه ما گروهک مردوز را به حمله و حناور وادارد. ی که ضدانقلاب برای اردم سع و بخشی از آن در اظهارات با ماسد امپریالیسم و سکوکالی قابل تمیم است. اگر عس از این ردمیم. همان‌طور که سساری از اس ضدانقلاب هستند، ماند در اس بلندگوی سرباز اس ضدانقلاب ا روحانست مبارز و حرب بوده" دسکر، در "رزم خود" امکان ماسد. اس کوبه موضع‌گیری‌های مبارزات خلی علیه امپریالیسم می‌دارند، به فکر وادارد.

دهند، که بخشی از آن علمی، نب" از یکسو و "اسلامی" از سوی با همه این بخش‌ها به طور دقیق ما، و ضدانقلاب سازمان یافتند، و گروهک جینی رده" رنجیران" و سسکان و عناصر روحانی، که به سس، در بوسله کودتای آمریکایی و نزیه و مقدمه‌رغابی و در یادار دسکر از این حناوران، از سسوع سی انقلابی و دستگاه‌های دولتی "نگه‌های" انقلابی و یا "اسلامی"

رین و حطرباک‌سرس دشمنان ضربه‌ها را بر سکر انقلاب جوان (ت‌آی‌دی‌ها، در بیانته" ملی و ملی کور ماصره وازد ساحتند بد.

هواداران

سرتقی و خلی و ضد سرمایه‌داری لاب ضد استنادی، در حارجوب سسین از انقلاب هم همیشه تر ب. سار اس قس، که با کمال روطه، حتی با وجود محمدرضا شتیار و نهضت آزادی، برهبری و بخشی قابل توجهی از روحانیت، حرت سرمایه‌دار و یا وابسته به هدف‌های فراکسر انقلاب ضد- نداشتند و با تمام نیرو، تالظه ری کنند. خیانت بختیار بارز-

ن بره‌های دراداره" کسور ن قسز اسناد. تمام تلاش دولت شده این نظام با امپریالیسم‌ها سران‌های حیاتی اسفاد کسور برده نظام سرمایه‌داری و بزرگ

ناکمیت بس از انقلاب جمهوری بودهای، که سسکریترین دشمن سن است. این دشمنی، که در دسور برده بازتاب داشت، به درحالی‌که آنها کوچک‌ترین آورده‌ای آن نمی‌بوانستند پیدا

نامه" مردم"، بوسف سد و لردند، مقامات قضایی در ۱۰۰۰ تند سندا کنند، ولی علی‌رغم ه حرب ما هر روز سسرت سبت

بیعی است. بورژوازی لمرال محدود و محصور کند، با آن و امپریالیسم هموار سازد، سرمایه‌داری را بنهد می‌کند، و دشمنی اس سسرو گروه‌های سسی‌باندیر سسری و سسکری سسری

سازسگران و سسسلم‌طلمان و ناحرب مادمی می‌گردند، و محبت اس راست‌ترین و بدیپوسند که کناشاس حسمت؟ دست دوستی و مودت دراز

دولت موقت، ضربه جدی به رت را به کلی اردست داده و لمرال حنوز در مقامات حاکمه ی، ریشاد در صحنه زندگی به صورت یکی از عمدترین س با و نظام جمهوری اسلامی

چشم سالگرد استقلال افغانستان بسا شکوه تمام برگزار شد

شصت و یکمین سالگرد استقلال افغانستان از یوغ امپریالیسم خون-آشام اتکلیس، باشکوه فراوان در سراسر کشور برگزار شد.

روز ۱۹ اوت ۱۹۱۹، در نتیجه ضربات درم شکننده‌ای که ارتش و خلق افغانستان به نیروهای استعماری اتکلیس وارد کردند، افغانستان استقلال کامل خود را بدست آورد. مردم افغانستان در جشن‌هایی که در سراسر کشور برپا کردند، اعلام داشتند که قاطعانه از دستاوردهای انقلاب کشور حمایت خواهند کرد. شخصیت‌های اجتماعی افغانی، بویژه اهمیت مرحله دوم انقلاب را مورد تاکید قرار داده‌اند.

در نتیجه انقلاب افغانستان، برنامه اصلاحات ارضی سرعت اجرا میشود و دهقانان از یوغ فئودال‌ها و زمین‌داران مفتخور و خون‌آشام آزاد میشوند. حقوق برابر همه ملیت‌های ساکن در افغانستان اعلام و براساس قانون تضمین شده است. تلاش‌های گسترده‌ای برای بالابردن سطح زندگی توده‌ها در جریان است و مردم افغانستان روزبه‌روز ضربات درم-شکننده‌تری به مزدوران امپریالیسم و ارتجاع جهانی وارد می‌سازند.

بیروکارمل، رهبر افغانستان، در نقشی بمناسبت سالروز استقلال افغانستان، از مردم خواست که علیه توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی هرچه بیشتر متحد شوند. وی گفت که در پیروزی خلق افغانستان در مبارزه خود علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، چین، مصر و پاکستان نمیتوان تردید داشت.

کارمل از کمک‌های اتحاد شوروی به انقلاب افغانستان ستایش کرد و گفت بمحض آنکه مداخله خارجی در امور افغانستان قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی از کشور خارج میشوند.

از سوی دیگر، لئوید پرژوف و آلکسی کاسیگین، رهبران اتحاد شوروی، سالگرد استقلال افغانستان را به بیروکارمل شادباش گفتند. رهبران شوروی یادآور شدند که کشور جوان شوروی، برهبری لنین بزرگ، نخستین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و روابط براساس برابری کامل میان دو کشور برقرار شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد: نامه پراکنی های مقامات آمریکائی زمینه ساز توطئه جدید امپریالیسم آمریکاست

پاسخ نامه نمایندگان کنگره آمریکا، ادعای نامه‌ای علیه امپریالیسم آمریکا و جنایانش در ایران خواهد بود.

نماینده مشهد: پایه پاسداران باید از نظر تجهیزات و تعداد تقویت شود.

جلسه علمی دیروز مجلس بریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی و با حضور ۱۸۳ تن از نمایندگان ساعت ۹:۲۰ رسمیت یافت.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، امین ناصری، نماینده آستانه اشرفیه، در سخنانی بیرامون اهمیت انقلاب ایران و کوتاهی بعضی از مسئولین مملکتی در قبال آن گفت:

«ملت ما در طول دورانی که از انقلاب گذشته است، ثابت کرد که لیاقت، شهامت و از خودگذشتگی لازمه آن را دارد. ما در مقابل ملت‌های منطقه و مستشرقین جهان که امید بسیار به انقلاب ایران دارند، مسئولیت بزرگی داریم. اما چگونه با این مسئولیت برخورد کردیم؟ مسئولین ما بجای اینکه به مردم منطقه بیدار شوند و به آنان اصلت دهند، به سران مرتجع و وابسته‌شان ارزش قائل می‌شوند و با آنها بر سر نیز مذاکره می‌نمایند».

وی درباره شرایط کنونی انقلاب ایران سخن گفت و افزود: «مسئولین گذشته دولتی آنچه که باید نتوانستند چهره انقلاب را منعکس کنند. ما اکنون در آستانه تشکیل کابینه جدید هستیم. ما از نخست‌وزیر می‌خواهیم که همانطور که قول داده‌اند (و تا آنجا که بیداست عمل می‌کند) مسئولین مملکتی را از میان نهادهای انقلابی انتخاب کنند. این نهادها نشان داده‌اند که حتی با کمبود امکانات تا چه حد فداکارانه به انقلاب خدمت کرده‌اند. ما می‌خواهیم که مسئولین از میان این جوانان پاک‌بخته انقلابی انتخاب شوند... و در آن صورت مردم و امام از دولت حمایت خواهند کرد...»

محمدی، نماینده همدان با استفاده از وقت آقای ناصری، از جمله درباره نقش رادیو تلویزیون گفت:

«حرف امام را در این باره تکرار می‌کنیم که گفتند رادیو تلویزیون و مطبوعات باید تصفیه شوند و یک عنصر غربی هم در آنها نماند...»

محمدصادق عیدهدائی، نماینده مشهد، ناطق بعدی مجلس، ابتدا حادثه انفجار گیساران را به پاسداران، مردم و امام تسلیت گفت، و سپس درباره نقش سپاه پاسداران افزود:

«چشم انقلاب به این جوانان پرشور و پاک‌بخته دوخته شده است. این جوانان باید آزموه‌ای کامل برای دفاع از انقلاب داشته باشند. اینها باید کاملاً تقویت شوند، بطوریکه ما در بین پاسداران هزاران چتر باز و خلبان داشته باشیم. پاسداران باید تعالیم و آموزش‌های نظامی سنگین ببینند و از هر نظر ورزیده شوند. توصیه می‌کنیم که با آموزش سریع سپاه و افزایش تعداد آنها یک گردان انقلابی آموزش دیده را در کنار ارتش تربیت کنیم و تشکیل دهیم...»

وی آنگاه به وظیفه وزارت ارشاد ملی اشاره کرد و گفت:

«این وزارتخانه در رابطه با وزارت خارجه می‌تواند به هر سفارتخانه ایران یک مبلغ متعدد و مسئول اعزام کند، چرا که سفارتخانه‌ها نقش مهمی دارند، بطوریکه در زمان رژیم سابق همان نقش را که ساواک در ایران داشت، آنها در خارج داشتند. افرادی که در آنجا بودند، صد در صد وابسته بودند. اینهایی که سریعاً باید تصفیه و پاکسازی شوند. ثانیاً وزارت ارشاد ملی باید مرتب مردم را در جریان انقلاب قرار دهد. قلم‌های مسموم غرب‌زده مشغول تبلیغات علیه انقلاب ما هستند. وظیفه اینها و رادیو تلویزیون است که این تبلیغات مسموم را خنثی کنند»

وی در پایان سخنانش به لزوم تغییر سیستم بانکی و زدودن آثار سیستم طاغوتی در آن اشاره کرد و توضیحاتی در مورد وضع حوزه انتخاباتی خود داد.

صلواتی، نماینده اصفهان، ناطق بعدی مجلس بود. او به مبارزه مردم اصفهان در سرنگونی رژیم شاه سابق و کوشش آنان برای گسترش انقلاب اشاره کرد و خوانهان رسیدگی سریع به مشکلات مردم مستضعف این شهر شد. وی در اشاره به مشکلات مردم گفت:

«گرانی، تورم، محاصره اقتصادی و بیکاری به وضع بد زندگی دامن زده است. مردم می‌خواهند که دست واسطه‌ها از زندگی آنان کوتاه شود و پیشنهاد می‌کنند که دولت خود نقش بین تولید و مصرف را با استفاده از جوانان مومن و متعهدی، که اکنون با مشکل بیکاری سردرگریانند، بسط دهد...»

پس از خاتمه نطق‌های قبل از دستور نمایندگان، محمد خاتمی، مخبر کمیسیون امور خارجه مجلس ضمن اشاره به نامه نمایندگان کنگره آمریکا گفت:

«کمیسیون امور خارجه با اتفاق آراء تصویب کرد که به این نامه

جواب داده شود. وی در توضیح افزود: «آنچه مسلم است ما در بزرگترین معرکه تاریخ هستیم و آمریکا بعنوان بزرگترین قدرت مانی خدبشتری بر جنگی تمام عیار علیه ما دست زده است. این جنگ، جنگی است میان نظامی که مظهرش آمریکاست، که سرشت و ماهیتی جز قلندری و جیاول ندارد، و ملتی که برای دفاع از ایمان و آرمانش به مبارزه برخاسته است. طبیعتاً هیچگونه سازشی در این نبرد نخواهد بود. ما باید این اصل، یعنی سازش ناپذیری و قاطعیت را پایه و مایه سیاست خارجی خود قرار دهیم».

وی افزود: «محاصره اقتصادی و توطئه‌های بزرگ خارجی و داخلی که امپریالیسم آمریکا علیه ما اجرا می‌کند، در کنار جنگ تبلیغاتی عظیمی که توسط رسانه‌های گروهی غرب، که اغلبشان کارگزاران امپریالیسم هستند، علیه ما انجام می‌گیرد، هدفش منزوی کردن انقلاب ماست. و ما باید با این در انزوا قرار گرفتن مبارزه کنیم. جواب ما به نمایندگان کنگره آمریکا می‌تواند و باید اذعان‌نامه‌ای علیه جنایات نظام غرب و بخصوص آمریکا باشد...»

خاتمی، در پایان گزارش کمیسیون امور خارجه را، که ریاست آن با حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها است، فرست کرد. در قسمتی از این گزارش آمده است:

«... لازم است نامه پاسخ داده شده و موضع قاطع ملت قهرمان ایران طی آن به اطلاع افکار عمومی جهان برسد...»

سپس چندتن از نمایندگان در موافقت و مخالفت با پاسخ نامه سیدنگدن کنگره آمریکا سخن گفتند از جمله آقای خزائی گفت:

«منظور از تمامی این نامه‌ها اینست که آمریکا حمله نظامی خود به ایران را برای افکار عمومی توجیه کند. حمله نظامی‌ای که به گفته خودشان محتمل است...»

آقای محلاتی گفت: «آمریکا بطور دائم علیه انقلاب توطئه می‌چیند و اکنون هم در فکر توطئه جدیدی است. این نامه‌ها زمینه توطئه جدیدی را خیر می‌دهند...»

دکتر هادی گفت: «ما باید با جواب نامه آنها تمام جنایات آمریکا و غارتگری‌هایش را به دنیا اعلام کنیم. شما ببینید اول ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره نامه نوشتند. بعد ۴ تن از آنها نامه جداگانه‌ای نوشتند. سپس نمایندگان و سفیر کشورهای اروپایی و بعد ژاپن و بازار مشترک به دستور آمریکا آمدند و صحبت کردند و سپس... این یک حمله دامنه‌دار و همه‌جانبه است...»

وی افزود: «جواب ما اذعان‌نامه جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا و جنایاتی در ایران خواهد بود...»

سپس در مورد جواب دادن یا ندادن به نامه کنگره آمریکایی-گیری شد و پاسخ دادن به نامه مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. آنگاه طرح ۱۵ تن از نمایندگان در مورد اراضی شهری به کمیسیون مسکن مجلس ارجاع شد.

سپس مخبر کمیسیون تحقیق، نظر این کمیسیون را در باره اعتبارنامه آقای مینرفر مینیبر تئید آن، قرائت کرد. این گزارش مورد اعتراض چند تن از نمایندگان قرار گرفت. از جمله نصراللهی، نماینده آبادان، گفت:

«گزارش کمیسیون تحقیق بدون بررسی دقیق انجام گرفته است...» دکتر یزدی در این مورد توضیحاتی داد و سپس به بحث زیادی در مورد ارجاع دوباره پرونده به کمیسیون و یا بررسی آن در جلسه علنی مجلس بین نمایندگان انجام گرفت. در نتیجه رای گیری، قرار شد که ادامه بررسی پرونده در جلسات علنی مجلس صورت گیرد.

آنگاه رشیدیان، نماینده دیگر آبادان، در مخالفت با اعتبارنامه آقای مینرفر از جمله گفت:

«طبق استادی که موجود است، وکدر امر ساختمان یکی از مراکز ساواک بعنوان ناظر شرکت کرده است... وی همچنین شاپور واسخ را که یکی از مهره‌های کثیف رژیم گذشته بود و اکنون فراری است، بازنگسته کرده و ماهیانه مبلغی نزدیک ۱۶ هزار تومان پراش به خارج می‌فرستد...»

وی در پایان سخنانش در باره خصوصیت یک نماینده مجلس گفت: «کسی باید نماینده مردم در مجلس باشد که همراه مردم در نبرد با رژیم شاه شرکت مستقیم داشته باشد و حتی اگر از کنار شکنجه‌گاه‌های ساواک و مظاهر پلید رژیم با بی‌تفاوتی گذشته باشد، نیابتی در مجلس شرکت کند...»

نژادگریمی، نماینده مردم اهواز، مخالف بعدی اعتبارنامه مینرفر در باره علل مخالفت خود بطور مشروح سخن گفت. وی در سخنان خود اشاره به سندی کرد که طی آن نشان «درجه پنج تاج» از طرف شاه سابق به علی‌اکبر مینرفر اعطا شده بود.

در پایان جلسه دیروز مجلس، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، ضمن اخطار شدید به عده ۱۵-۱۰ نفری از نمایندگان، که با بی‌مسئولیتی تمام در جلسات مجلس شرکت نمی‌کنند و یا با تاخیر شرکت می‌کنند، گفت:

«من قاطعانه می‌گویم که این امر تضعیف مجلس و بی‌اعتنایی به وقت و زندگی مردم انقلابی ماست، و در صورتیکه تکرار شود، اسامی این دسته از نمایندگان را برای مردم فاش خواهیم کرد...»

رئیس مجلس، ضمن دادن چنین تذکری به کمیسیون‌های مجلس، اعلام کرد که، جلسه علنی بعدی مجلس روز یکشنبه ساعت ۹ صبح تشکیل خواهد شد.

این همان توطئه عظیمی است که امام خمینی، رئیس‌جمهور، آیت‌الله بهشتی، حجت‌الاسلام خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی از آن سخن گفته‌اند. آنچه مسلم است توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، بکمک رژیم بعثی عراق، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان و سایر رژیم‌های دست‌نشانده و با همکاری فعال ضدانقلاب داخلی و خارجی زیر رهبری اشرف بختیار - اویسی - پایزیان علیه جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از همیشه است.

ولی ایجاگردایی است که آمریکابه درون آن خواهد چید، اما اینکه بتواند خود را از آن سلامت بیرون کند، وابسته به هشپاری، آمادگی و اتحاد خلق و انجام وظایف انقلابی ارجانب مسئولان جمهوری اسلامی ایران است. در آنچه که مربوط به مردم است، باید گفت، مردمی که برای بیرون راندن امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده آن تا ۷۰ هزار از ارزنده‌ترین فرزندان خود را فدا کردند، حاضر نیستند استقلال‌میبین خود را به بیخ‌بهایی از دست بدهند. مقاومت و پایداری مردم در برابر امپریالیسم آمریکایی منحوز بی‌هیچ تردید، مقاومتی حماسی و قهرمانانه خواهد بود. اما این نکته مسئله، بهیچ‌وجه از مسئولیت مذهب مملکتی در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم نمی‌کاهد. باید برای مقابله بادشمنی چنین‌فشی، غدار و جنایتکار اقدامات وسیعی را در سراسر کشور، که در میان نیروهای نظامی و نهادهای انقلابی و چه در میان مردم و سازمان‌های سیاسی مدافع انقلاب سازمان داد، تا مشت مسلح امپریالیسم آمریکا، اگر فرود آمد، بر سرندان فرود آید. به‌نوشته رئیس‌جمهور، توطئه دشمن

مفهوم «پارز» از نظر امپریالیسم رادیو لندن در بحث فاسی برنده‌ها، خسود، روز یکشنبه ۱۲ مرداد گفت: «کومله که مبارزترین گروه کرد است، می‌کوبد...»

عمر می‌کنید رادیو لندن ضد انقلابیون افغانستن را به چه نامی می‌خواند؟!!

ز. تکمهای رفقا و دوستان پاساگز اوییم سازمان حزب در برلن غربی (از درآمد حاصله در جشن روزنامه «واحدیت» ۵۰۰۰۰ مارک غربی سازمان حزب در انگلستان ۲۰۰ پوند سازمان حزب در ایتالیا ۶۰۰۰۰ ریال

بمب‌های ضد...

بقیه از صفحه ۱

بیزان تهدید و زور میتوان سخن گفت. بعقیده آنها: بگذار هرانفجار گروهی از مردم را بترساند و از فعالیت بخطر پشتیبانی از انقلاب بازدارد.

ضد انقلابیون با تاکتیک بمب گذاری خود سیاست دیگری را نیز دنبال میکنند. آنها میخواهند مردم نشان دهند که امنیت ندارند، حکومت قدر به تامین امنیت مردم نیست و ایران شاهنشاهی که «جزیره ثبات» بوده به ایرانی پر از هرج و مرج کنونی تبدیل شده است. امنیت میخواهد «دزم شاهنشاهی» را بازگرداند!

بمب‌گذاری حربه ضد انقلاب در جنگ روانی علیه انقلاب ایران است. باید کوشید و نگذاشت که این حربه موثر شود. اثرات سیاسی که این حربه می‌تواند بجای بگذارد، پیرامب از تلفات جانی که بیار می‌آورد، خطرناکتر است. برای پیروزی در این جنگ روانی که امپریالیسم آمریکا و عمالتی بر ضد انقلاب ما برآه انداخته‌اند، نخستین اقدام ضرور خشی کردن بمب‌گذاران است

نه بمبها در تنها افراد ورزیده ساواک میتوانند کار بگذارند. بمب‌گذاری مستلزم آموزش فنی و تمرین و دانستن شیوه عملیات تخریبی است، که آنها فقط ساواکیها و یا افسران و گروهبانان ضدانقلابی (بیرادران قتی ساواکیها) میدانند.

اگر میخواهیم از بمب‌گذاری جلوگیری کنیم، باید تمام ساواکیها و فعالیت آنها را زیر نظارت و مراقبت دائم داشته باشیم. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ما باز هم هشدار میدهیم:

نباید گذاشت ضدانقلاب دست خود را از آستین پدر آورد (فرق نمیکند در حضرت عبدالعظیم، یا حرم امام رضا، یا نماز جمعه تهران) و فاجعه‌ها بیافرینند - فاجعه کشتار سدها و سدها نفر و فاجعه عواقب سیاسی آن.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نقشه‌ای سراسری است، پس ما هم باید برای رویارویی با این توطئه در مقیاس سراسر کشور آماده باشیم. همه امکانات سیاسی، تبلیغاتی و رزمی خود را بسیج کنیم و به دشمن بفهمانیم که توطئه و تجاوز او را دندان‌شکن پاسخ خواهیم گفت. برای خنثی کردن فعالیت ستون پنجم امپریالیسم آمریکا، که ضدانقلاب داخلی است و این روزها عملیات تخریبی و بمب‌گذاری و... خود را افزایش داده، باید آنرا کشف و سرکوب کرد و مردم انقلابی را چنان بسیج نمود آماده نگاهداشت، که ضدانقلاب فرصت عمل نیابد و مردم خود با هشپاری و تیزبینی، هر عمل خرابکارانه‌ای را زیر نظر داشته باشند و آنرا خنثی کنند

امپریالیسم آمریکا در تدارک توطئه بزرگ جدیدی است. انقلاب باید بتواند از خود دفاع کند.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده اعتبار و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» فلا در اشغال عناصر غیر مسئول است)

NAMEH MARDOM

No. 313
21 August 1980

Price:
West-Germany 8.80 DM

France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.